

پویاشناسی افراد دگرباش در ایران از منظر حقوقی و دینی

کامیل احمدی

پژوهشگر و مردم شناس، تخصص روش تحقیق و ارشد مردم شناسی، دانشگاه کنت - انگلستان

kameel.ahmady@gmail.com

چکیده

جنسیت یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی انسان است که شامل هویت‌ها و نقش‌های جنسی، گرایش‌های جنسی، شهوت، لذت، صمیمیت، و تولیدمثل می‌شود. جنسیت در افکار، رؤیایپردازی‌ها، امیال، باورها، دیدگاه‌ها، ارزش‌ها، رفتارها، رویه‌ها، نقش‌ها، و روابط افراد، خود را نشان می‌دهد. در حالی که جنسیت می‌تواند این ابعاد را دربرگیرد، همه آنها همواره تجربه یا ابراز نمی‌شوند. جنسیت تحت تأثیر تعاملات زیستی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، اخلاقی، حقوقی، تاریخی، مذهبی، و عوامل معنوی قرار دارد.

این اولین پژوهشی است که درباره دگرباشان در ایران صورت گرفته است و به متون موجود درباره دگرباشان با تمرکز بر جغرافیای محل سکونت این گروه بعدی ویژه و متمایز می‌بخشد.

این پژوهش برگرفته از کتاب شهر ممنوعه می باشد و از روش تلفیقی رویکردهای پدیدارشناسانه، هرمنوتیکی، پسامدرن، و روان‌شناختی بهره برده است تا روشی نظری را به وجود آورد که برای پژوهش درباره تجربه دگرباشی مناسب باشد و در عین حال، شهود و احساسات خود پژوهشگر را نیز در تعیین معیار تأیید مطالعه برای حفظ «عینیت» دربرگیرد.

این مطالعه بسیار پیچیده است، چراکه فراتر از نگاهی کلی و ساده به گرایش جنسی و افکار مربوط به جنسیت، به حوزه زندگی خصوصی و عمومی افراد ورود کرده است. برای اولین بار، این تحقیق بر مصاحبه‌های عمیق با حدود ۳۰۰ نفر از دگرباشان - که ۶۰ درصد آنان مرد و ۴۰ درصد زن بودند - در سه کلان‌شهر تهران، مشهد، و اصفهان متمرکز شد. در این پژوهش، چالش‌های برخاسته از تغییرات عصر حاضر در روابط جنسیتی و چگونگی این تعاملات در ایران از منظر حقوقی و دینی بررسی شد و در عین حال، چهارچوب‌های نظری و روشمندی به خوانندگان، دگرباشان، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی، فعالان عرصه عمومی و اجتماعی، و دانشجویان ارائه شد تا دگرباشان بر اساس آنها مطالعه و بررسی شوند. اهداف اصلی این پروژه تحقیقاتی درک احساسات و باورها در مورد دگرباشان از طریق تحلیل انتقادی از نگاه خود این افراد و بررسی چالش‌هایی است که آنها بر اثر زندگی در جامعه‌ای مذهبی، طبقه‌محور، سنتی، و پدرسالار که دگرباشی را به مثابه هویت رد می‌کند، تجربه می‌کنند.

واژگان کلیدی: دگرباش، دین، حقوقی، همجنسگرا، گرایش جنسی، گی، لزبین

مقدمه

جنسیت، جنس، و تمایل جنسی مفاهیمی سیال و همواره در حال تغییرند که اساس و جوهره روابط انسانی را تعریف می‌کنند. جنس به عنوان یک ویژگی زیستی معمولاً سؤالی اولیه در مواجهه با زنی است که در انتظار فرزند است. به بیان ساده‌تر، جنس به تفاوت‌های فیزیکی یا بیولوژیک بین بدن مردان، زنان، و افراد بیناجنسی اشاره می‌کند که هم ویژگی‌های اولیه یک جنس (سیستم تولیدمثل) و هم ویژگی‌های ثانویه آن (مانند پستان و موی صورت) را شامل می‌شود. با وجود این، جنسیت به شکل اجتماعی بر اساس ویژگی‌هایی تعیین می‌شود که از طبقه‌بندی جنسی نشئت می‌گیرد و به نوبه خود تفاوت‌های اجتماعی یا فرهنگی‌ای را منعکس می‌کند که به دنبال یک جنس خاص به وجود می‌آید. جامعه غربی و بسیاری از دیگر جوامع همیشه تنها دو جنس زن و مرد را به رسمیت شناخته‌اند. از آنجا که جامعه ما تا جایی که به جنس مربوط می‌شود، در نظامی دوقطبی عمل می‌کند، دو انتخاب بیشتر دیده نمی‌شود: مرد یا زن. جنس (زن یا مرد) و جنسیت (زنانگی یا مردانگی) عناوین نسبت داده شده‌ای هستند که بیشتر سبب سردرگمی می‌شوند و به اشتباه به کار می‌روند. جنس نوعی طبقه‌بندی زیستی است. بیمین و رانکین می‌گویند که جنسیت از جنس جدا، اما به آن مربوط است. آنها جنسیت را همچون ترجمه واقعیت‌های زیستی از انتظارات اجتماعی از «زنان» و «مردان» در نظر می‌گیرند.^۱ اما حالا درمی‌یابیم که جنس یک فرد – آن گونه که با بیولوژی او مشخص می‌شود – همیشه با جنسیت او همسو نیست. بنابراین واژه‌های «جنس» و «جنسیت» را نمی‌توان به جای یکدیگر به کار گرفت. رابطه عمیق و ریشه‌دار بین یک زن و یک مرد امری مقدس است. بر اساس چنین نظامی، این امر مقدس به کمک تاریخ، سنن، هنجارهای جاافتاده و نیروی همیشه حاضر مذهب از یک امر کفرآمیز جدا می‌شود. آنچه کفرآمیز دانسته می‌شود، هر رابطه یا میل جنسی‌ای است که در خارج از این هنجار توصیه شده اجتماعی (بودن مردان با زنان) وجود داشته باشد. حال، دسته‌بندی دگرباشان همه این هنجارها و نظام دوقطبی را به چالش می‌کشد.

بیشتر پژوهشگران جنسیت بر این عقیده‌اند که ارجاعات محدودی که در *انجیل* (مقام اخلاقی اصلی *انجیل* در این موضوع) به همجنسگرایی داده شده است، تعصب‌های مدرن همجنسگراهراسی را بنیان نهاده است.^۲ سولیوان و ودارسکی (۲۰۰۲) می‌گویند: «ارجاعات *انجیل* به همجنسگرایی اساس تعصب مدرن برای همجنسگراهراسی شده است، چراکه بیشتر مخالفان همجنسگرایی و رفتارهای همجنسگراستیزانه به این اصل اساسی استناد می‌کنند که *انجیل* همجنسگرایی را نامقدس یا ممنوع می‌داند.»^۳ گاهی این تنها حوزه‌ای است که رهبران همه مذاهب بزرگ در آن با یکدیگر متحدند و این رفتار را کج رفتاری جنسی تلقی می‌کنند. برای بیشتر این مذاهب، همجنسگرایی نهاد ازدواج و در نتیجه، نهاد خانواده و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.^۴ کلاسن، ویلیام، و لویت (۱۹۸۹) می‌نویسند که مذهب دریافت‌های خود را دارد که به انواع ترس‌ها از همجنسگرایی یا هر نوع گرایش جنسی منتهی می‌گردد که بر اساس باورهای مذهبی غیرطبیعی دانسته می‌شود.

بر اساس این باور، مشاهده شده است که خانواده‌های دارای وابستگی مذهبی در واکنش به کودکان دگرباش سخت‌گیرترند. در این پژوهش، طرد، محرومیت از ارث، و اجبار به درمان‌های پزشکی برای اینکه فرد دگرباش با هنجارهای گرایش جنسی همسو شود، تنها چند نمونه رایجی بود که پاسخ‌دهندگان از خانواده‌های مذهبی به آن اشاره داشتند.

همجنسگرایی در طول تاریخ و در سراسر جهان وجود داشته است. این پدیده در همه فرهنگ‌ها همواره بخشی از جامعه بوده است. در طول زمان و در مکان‌های مختلف، رویکردهای اجتماعی متفاوتی درباره روابط همجنسان وجود داشته است. در این نگاه‌های متفاوت، برخی با پذیرش این رفتار از مردان، انتظار رابطه جنسی با همجنس و روابط گذری آنها را دارند و برخی دیگر با سرکوب از

^۱. Beemyn, Genny; Rankin, Susan. (2011). *The Lives of Transgender People*. New York: Columbia University Press.

^۲. همان.

^۳. همان.

^۴. Steven Waldman. (2003). A Common Missed Conception. From http://www.slate.com/articles/life/faithbased/2003/11/a_common_missed_conception.html.

طریق سازوکارهای انتظامی و قضایی، همجنسگرایی را گناهی بزرگ می‌دانند. در موارد دیگر، در برخی جوامع مذهبی، افراد همجنسگرا به مجازات مرگ محکوم می‌شوند. تفاوت فاحش میان فرهنگ‌ها در برخورد با این پدیده به میزان باز بودن بینش آن فرهنگ در مورد صحبت از این مقوله و نحوه عملکرد آن بستگی دارد.

در کشورهای غربی و در ممالکی که مردمش پیرو سرسخت مسیحیت و اسلام‌اند، روابط همجنسان مردود دانسته می‌شود.^۱ واژه همجنسگرا در سال ۱۸۶۹ میلادی سکه زده شد. تا آن زمان، همجنسگرایی گرایشی جداگانه دانسته نمی‌شد. در آن زمان، این گرایش جنسی که به تازگی پذیرفته شده بود، کم‌کم ظهور پیدا کرد و بر این استدلال استوار بود که کشش جنسی فرد به سوی فرد همجنس خودش جنبه‌ای ذاتی و تغییرناپذیر از شخصیت اوست.

همان‌گونه که پیشتر گفته شد، *انجیل* به صورت محدود به همجنسگرایی اشاره دارد؛ اولین ارجاع به همجنسگرایی در *انجیل* و در پیدایش ۲:۹-۲۴ است و بسیاری از متفکران مسیحی معتقدند که حام، کوچک‌ترین پسر نوح، تحت تأثیر شراب با پدرش که خواب بود، مرتکب عمل همجنسگرایی شده است. *انجیل*، با داستان‌های عهد قدیم، ما را با برخی از اولین تابوها در این زمینه آشنا می‌کند. یک نمونه دیگر داستان تذکرها در سفر لویان است: «اگر مردی با مردی، آن‌گونه که با یک زن می‌خواهد، بخوابد، هردوی آنها عملی شنیع انجام داده‌اند. مطمئناً آنها باید به مرگ محکوم شوند، خونشان باید به گردن خودشان باشد.» و «به همین شکل، مردان هم روابط طبیعی با زنان را کنار گذاشتند و با شهوت برای دیگری شعله‌ور شدند. مردان اعمالی گناه‌آلود با مردان دیگر مرتکب شدند و برای خطایشان در خود مجازات مقتضی دریافت کردند.» در کتاب تثنیه ۲۲:۵، مانند جنس مخالف لباس پوشیدن به عنوان عملی «منفور» محکوم شده است.

مذهب لایه‌ای دیگر از فشار را بر دگرباشان اضافه می‌کند و همچنان عامل مهمی در مقابل پذیرش اجتماعی همجنسگرایی و ازدواج همجنسان است. آنچه نوع گرایش جنسی را مشخص می‌کند، تنها تمایل محض یک فرد نیست، بلکه درک اشتباه از مذهب است که همواره تحت تأثیر منابع قدرتمند مذهبی اجتماعی است. باید توجه داشت که درست است تعلقات مذهبی خانواده با میزان پذیرش آن ارتباط زیادی دارد، اما با حمایت اجتماعی از دگرباشان نوجوان نیز ارتباطی مستقیم دارد.

در طول زمان و در مکان‌های مختلف، نگاه‌ها به رابطه مذهب و انواع مختلف گرایش‌های جنسی متفاوت بوده است. نگاه خاص به همجنسگرایی نه تنها به وسیله باورهای مذهبی فردی، بلکه در تعامل این باورها با بافتار ملی - مذهبی غالب (حتی در میان کسانی که کمتر مذهبی‌اند یا بافتار مذهبی غالب را دنبال نمی‌کنند) تعیین می‌شود. امروزه آموزه‌های مذهبی در مذاهب اصلی جهان رویکردهای متفاوتی درباره دگرباشی دارند.

در اسلام، تنها یک خدا، یعنی خدایی یگانه (الله) وجود دارد و حضرت محمد (ص) پیامبر این دین است.^۲ اسلام دومین دین بزرگ جهان و رو به رشدترین دین بزرگ در دنیا با بیش از ۱٫۸ میلیارد پیرو است که این پیروان ۲۴٫۱ درصد کل جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و مسلمان خوانده می‌شوند. مسلمانان در چهل‌ونه کشور جهان بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دهند.^۳ همه مکتب‌های بزرگ اسلامی همجنسگرایی را مردود می‌دانند و میل به همجنس را وسوسه‌ای غیرطبیعی به‌شمار می‌آورند و این نوع رابطه جنسی را عملی خلاف نقش طبیعی و هدف فعالیت جنسی می‌بینند.

در دین یهود و در *تورات* (پنج کتاب اول *انجیل*) آمده است: «مردا نباید با مردی دیگر بخوابد، آن‌گونه که با یک زن می‌خواهد، این رسوایی است.»

مکتب‌های مسیحیت نظرهای گوناگونی، از محکومیت مستقیم تا پذیرش کامل، درباره موضوع همجنسگرایی دارند. بیشتر مکتب‌های مسیحی از کسانی که به همجنس خود تمایل دارند، استقبال می‌کنند، اما همچنان می‌گویند که عمل جنسی با

۱. جکل، اس؛ ونزلبگر، جی. (۲۰۱۵). *مجله همجنسگرایی*، ص. ۲۰۷-۲۴۱.

2. Horrie, C.; Chippendale, P. (2007). What is Islam? A Comprehensive Introduction. Virgin Books Limited.

3. Maoz, Z.; Henderson, E.A. (2013). The world religion dataset, 1945–2010: Logic, estimates, and trends. *International Interactions*, 39 (3), pp.265-291.

همجنس گناه است. کلیسای کاتولیک، کلیسای ارتدوکس، و دیگر شاخه‌های اصلی مانند کلیسای اصلاحی در آمریکا و کلیسای باپتیست آمریکا همجنسگرایی را گناه می‌دانند.

این سه مذهب اصلی رویکردهایی متفاوت به همجنسگرایی دارند که از منع این عمل در سکوت تا ممنوعیت آشکار آن، مخالفت فعالانه و مخالفت کلامی، و پذیرش اجتماعی همجنسگرایی تا اعدام را شامل می‌شود.

به نظر می‌رسد که باورهای مذهبی عاملی مهم در گرایش جنسی باشد. مطالعه‌ای در میان کسانی که به شکل هفتگی یا بیشتر در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، نشان داد که درصد مخالفت با پذیرش اجتماعی همجنسگرایی در میان آنها کمی بیشتر است. وقتی تقریباً یک سوم آمریکایی‌هایی که معتقدند همجنسگرایی باید منع شود، با این پرسش روبه‌رو می‌شوند که چرا چنین احساسی دارند، بیشترین دلیلی (۵۲٪) که مطرح می‌کنند، این است که همجنسگرایی با باورهای مذهبی و اخلاقی آنها در تضاد است. این موضوع به کمک داده‌های دیگری نیز نشان داده می‌شود که می‌گویند افراد مذهبی بیشترین میزان همجنسگراستیزی را ابراز می‌کنند^۱.

اما برخی مسیحیان لیبرال از همجنسگرایی حمایت می‌کنند. کلیسای متروپلیتن، به طور خاص، شاخه‌ای از مسیحیت با چهل‌هزار پیرو، تنها برای خدمت‌رسانی به اجتماع مسیحیان دگرباش بنا شد و با آغوشی باز به دگرباشان خدمت می‌کند. در اجتماع کلیسای انگلیسی، روحانیانی وجود دارند که آشکارا گی هستند، افرادی همچون جین رابینسون و ماری گلس پول اسقف‌هایی همجنسگرا در آمریکا هستند و اوا برون همجنسگرایی در سوئد است.

در سال ۲۰۰۵ میلادی، جناب راب شناک، رهبر برجسته پروتستان در واشنگتن، به گروه بزرگی از جوانان گفت که معتقد است همجنسگرایی نوعی «انتخاب» نیست، بلکه نوعی «تمایل» است، یعنی چیزی با «ریشه‌های عمیق» در مردم. هرچند او از مخالفت با همجنسگرایی حمایت کرد، این نکته را نیز یادآور شد: «اگر ظهور این شواهد علمی اجتناب‌ناپذیر است، باید برای پاسخی از سر مهربانی آماده باشیم».

اما وضعیت در حال تغییر است و تغییر الگوی مشخصی نیز دیده می‌شود که به افراد دگرباش کمک می‌کند تا در صلح زندگی کنند. تعداد مذاهب حامی همجنسگرایی همواره در سراسر جهان رو به افزایش است و دنیای توسعه‌یافته در حال تصویب قوانینی در حمایت از حقوق دگرباشان است. کلیسای کاتولیک نیز تحت رهبری پاپ فرانسیس تغییراتی در مورد دگرباشان را تجربه می‌کند. در تابستان سال ۲۰۱۴ میلادی، پاپ فرانسیس گفت: «اگر کسی گی باشد و در جست‌وجوی پروردگار و مشتاق عمل نیک، من چه کسی هستم که بخواهم او را قضاوت کنم؟» این سخن موجی از حیرت را در سراسر کلیسای کاتولیک و جهان به‌راه انداخت، چراکه موضع او با خلف خود، یعنی پاپ بندیکت شانزدهم، متفاوت بود که ازدواج گی‌ها را تهدیدی برای صلح جهانی می‌دانست. اظهارنظر او آغاز دوره‌ای مهم بود که در آن چندین کاتولیک بلندمرتبه با انگیزه گرفتن از موضع باز پاپ، نظرهایی مشابه ابراز کردند. در ماه مه، اسقف عالی‌رتبه ایتالیایی گفت که کلیسا به بحث‌های درباره‌ی ازدواج همجنسان گوش می‌دهد. چند هفته بعد، کاردینال برزیلی، کلاودیو هامس، گفت که نمی‌داند آیا مسیح با ازدواج همجنسان مخالفت می‌کرد یا نه. در اوایل ماه سپتامبر، کاردینالی از نیویورک به نام تیماتی دالن تصمیم کمیته‌ی روز رژه سنت پاتریک مبنی بر اجازه به یک گروه گی برای رژه در سال ۲۰۱۵ میلادی با بنر خودشان را تأیید کرد. بیست‌ویک سال پیش از این، کاردینال جان آکانر — که یکی از اخلاف دالن بود — اعلام کرده بود که اجازه دادن به گروهی گی برای رژه توهینی به اعتقادات مسیحیان است. نظرهای مذهبی دنیای مدرن با بیانیه‌ی کمیسیون حقوق بشر همسو هستند که می‌گوید لازمه‌ی استانداردهای بین‌المللی وجود سیاست‌های یکدست حاکمیتی برای ریشه‌کنی رویه‌ها است، حتی اگر مدافعان بگویند که این رویه‌ها در باورها و مناسک مذهبی ریشه دارند^۲.

1. Kessler, RC.; Mickelson, KD.; Williams, DR. (1999). The prevalence, distribution, and mental health correlates of perceived discrimination in the United States. *Journal of Health and Social Behavior*, 40 (3), pp. 208-230.

۲. عفو بین‌الملل. ۲۰۰۱. ص. ۴۵.

رویکردهای مدرن به همجنسگرایی بنیان‌های مذهبی، حقوقی، و پزشکی دارند. به نظر می‌رسد تا پیش از قرون وسطای میانه، اعمال همجنسگرایانه از سوی کلیساهای مسیحیت در کلّ اروپا یا نادیده گرفته می‌شد یا با آنها با مدارا برخورد می‌شد، اما در نیمه دوم قرن بیستم خصومت نسبت به همجنسگرایان آغاز شد و نهایتاً به نهادهای مذهبی و سکولار سراسر اروپا سرایت کرد. محکوم کردن همجنسگرایی و دیگر رفتارهای جنسی‌ای که «غیرطبیعی» دانسته می‌شدند، شایع شد و تا امروز نیز ادامه دارد. با توجه به تعصبات مذهبی، جای تعجب نیست که همجنسگرایی همچنان در جوامع مسلمان و در سطح اجتماعی امری منفی دانسته می‌شود. مخالفت دینی با این مسئله را می‌توان در متن کتاب اسلام (قرآن)، قانون اسلام (شریعت) و نقل‌قول‌های مستند به پیامبر و ائمه (حدیث) مشاهده کرد که همگی به همجنسگرایی نگاهی منفی دارند.

مذهب اغلب نقش مهمی در طرد دگرباشان جامعه اسلامی بازی می‌کند و راهبر تفکر و عمل میلیون‌ها فرد مذهبی است. مذهب معمولاً در هماهنگی با «هسته» هویت مسلمانان است و بنابراین موضع اسلامی در برابر همجنسگرایی مهم است. این موضع و عمل در راستای آن چیزی بیش از هدایت دینی است و درواقع، مذهب جوهره اصلی در بنیانی سیاسی به‌شمار می‌رود، چراکه در کنار سنت و عرف اجتماعی — که آنان نیز متأثر از دین‌اند — این قدرت اخلاقی را دارد که بر نظرات اجتماعی و رفتارها، مخصوصاً در ازدواج و زندگی خانوادگی و آموزش، اثرگذار باشد. این موضع در هیچ‌جا به اندازه دیدگاه جامعه به همجنسگرایی خود را به‌خوبی نشان نداده است. به بیان ساده‌تر، از پشت عینک مذهب، همجنسگرایی عملی شنیع شمرده می‌شود.

باور مذهبی همچنان نیرویی قوی و عاملی تعیین‌کننده در ایجاد مانع و محدودیت بر سر راه پذیرش اجتماعی همجنسگرایی و ازدواج همجنسان است. در حال حاضر در ایران، همجنسگرایی گناه است و تراجنسیتی بودن نوعی بیماری به‌شمار می‌رود که این واقعیت‌های اجتماعی اغلب زندگی دگرباشان ایرانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرآن به طور مشخص به افراد تراجنسیتی اشاره نمی‌کند، در حالی که در کمال تعجب، در نظام اسلامی ایران، عمل تغییر جنس برای تراجنسیتی‌ها تسهیل شده است.

از سال ۱۹۷۹ میلادی، ایران تحت ماده ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کشوری اسلامی شده است. نظام حقوقی ایران بر اساس نظام قانون مدنی مشابه نظام فرانسه بنا شده است. نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که متشکل از مجلس خبرگان رهبری، رهبر ایران (ولی فقیه)، و قوه مجریه (دولت)، قوه مقننه (مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان) و قوه قضاییه است.

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، همجنسگرایی غیرقانونی است. قوانین جزایی در تفسیری از اسلام ریشه دارند که میل به رابطه با همجنس را نمی‌پذیرد. بنا بر این قوانین، که بر پایه شریعت اسلام استوارند، همجنسگرایی غیرقانونی و مستوجب مجازاتی از صد ضربه شلاق تا اعدام است. در غیاب شواهد دیگر، «اعتراف» خود فرد مجازات سی‌ویک تا هفتاد ضربه شلاق را در پی خواهد داشت، اما اعتراف به «چهار بار تکرار» به عنوان مدرک جرمی تلقی می‌شود که مجازات آن یا صد ضربه شلاق یا اعدام خواهد بود. البته بعضی از افراد ممکن است در پی شکنجه به عمل خود اعتراف کنند که این اعتراف از نظر حقوقی محل بحث است، چراکه در ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی تصریح شده است که «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است». بر اساس قانون مجازات اسلامی ایران که در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ میلادی بازبینی شد، قوانین مربوط به همجنسگرایی تغییر اندکی کرد. این تغییر اندک تنها شامل فرد فاعل می‌شود و فاعل فقط در صورتی که به مفعول تجاوز کرده باشد یا پیش از برقراری رابطه همجنسگرایانه، ازدواج کرده و با زن خود رابطه جنسی داشته باشد، اعدام خواهد شد. همچنین موقعیت دیگری که خطر اعدام برای فرد فاعل دارد، غیرمسلمان بودن فاعل و مسلمان بودن مفعول است که در این صورت نیز بر مبنای تبصره یک ماده ۲۳۳ این لایحه، حکم اعدام برای فرد فاعل صادر خواهد شد. این قوانین و تأکید دوباره قانونگذار بر آن در لایحه جدید مجازات اسلامی در حالی است که برخی مقام‌های ایرانی منکر وجود همجنسگرایان در این کشور شده‌اند و در بیشتر اعدام‌هایی که به دلیل روابط همجنسگرایانه انجام

می‌شود، اتهام این افراد «لواط به عنف» — که به معنای تجاوز است — اعلام می‌شود و چنان که فراز صانعی، محقق سازمان دیده‌بان حقوق بشر، می‌گوید: «طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ میلادی، هیچ‌کس «صرفاً به اتهام همجنس‌گرایی» به اعدام محکوم نشده است.»^۱

قانون قدیمی مجازات اسلامی می‌پنداشت هیچ‌کسی وجود ندارد که در سراسر عمرش و در اعماق قلبش احساس کند که همیشه همجنس‌گرا است و علاقه عاطفی و جنسی به همجنس خود دارد، بلکه کسانی هستند که بنا به دلایل نامعلوم و موقتی‌ای به اتفاق همجنس خود دست به عمل جنسی گناه‌آلود و منحرف لواط یا مساحقه می‌زنند. درواقع، برداشت قانون قدیم مجازات اسلامی از فرد همجنس‌گرا همانا فرد در کنش بود، و از این نظر تغییر مهمی که در قانون جدید مجازات اسلامی اعمال شده است، افزودن ماده‌ای است که بیان می‌دارد: «همجنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل (بوسیدن) و ملامسه (لمس کردن) از روی شهوت موجب تعزیر به تناسب جرم و شخص مجرم تا ۷۴ ضربه شلاق است.»^۲

درواقع، بر اساس نسخه قدیمی‌تر «مشارکت‌کننده فعال (مرد) در همه موارد در صورتی که زیر سن قانونی نباشد مشمول مجازات مرگ می‌شود»، اما محدودیت «تنها» تا هفتاد و چهار ضربه شلاق برای افراد زیر سن نسخه قدیمی‌تر در این نسخه جدید حذف شده است.

بر اساس قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات اعدام تهدیدی همیشگی است و اگر مردی در رابطه همجنس‌گرایانه نقش «مفعول» را داشته باشد، ممکن است با مجازات مرگ روبه‌رو شود. «فاعل» تحت شرایطی به مرگ محکوم می‌شود و در غیر این صورت، به صد ضربه شلاق محکوم خواهد شد. بنابراین مردان ایرانی که با مردان دیگر رابطه جنسی دارند (MSM) یا زنانی که با زنان دیگر رابطه جنسی دارند (WSW)، به دلیل رفتار خود، مردان به مجازات اعدام و زنان به شلاق، محکوم می‌شوند.

در ایران، قوانین و مقررات مربوط به افراد دگرباش با افراد تراجنسیتی متفاوت است. گفتمان تاریخی در این حوزه نشان‌دهنده انواع گوناگون گفتمان‌های مذهبی است و بسیاری از پیروان مذهبی ترجیح می‌دهند هویت تراجنسیتی خود را در قالب اسلام یک هنجار تلقی کنند. در سال ۱۹۶۷ میلادی، امام خمینی از فقه اسلامی چنان صحبت کرد که گویا هدایت‌گری بر اساس تجربه تاریخی را توصیه می‌کند. کتاب تحریرالوسیله او سند فلسفی مهمی بود که در ابتدا هدف آن تنها مقلدانش در آن زمان بود و بعدها وقتی ایشان ولی فقیه شد، وارد سیاست‌های ملی نیز شد. این فقه حقوق افراد تراجنسیتی برای عمل تغییر جنس را به رسمیت شناخت. فقه پیشرو ایشان ادعا داشت که «الظهریر یا نگاه اول مخالف منع عمل تغییر جنسیت است» و چنانکه پیش از این نیز گفته شد، فشار برای انجام این عمل می‌تواند بسیار شدید باشد.

نظام اداری ایران معمولاً در تنگنا قرار دادن تراجنسیتی‌ها نقش دارد و این غالباً در سطوح مختلف حاکمیتی، اجتماعی، و خانوادگی رخ می‌دهد. این مسئله در بسیاری از مطالعات قوم‌نگاری مانند مطالعه افسانه نجم‌آبادی «خودهای وانمودگر: ترنسکسوالیته و میل همجنس‌گرا در ایران معاصر» (۲۰۱۳) ذکر شده است. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران سعی کرده‌اند که از زاویه «نیاز» به سراغ نظام اداری ایران بروند تا از نگاه «حق و حقوق». این بدین معنی است که افراد تراجنسیتی از نظام اداری نامنسجم ایران به نفع خود استفاده می‌کنند تا انواع قوانین و مقرراتی را شکل دهند که نه تنها دسترسی به منابع پزشکی، بلکه فضایی جهت مانور نسبی برای زندگی قابل تحمل را برای آنها ممکن کند. همان‌گونه که نجم‌آبادی می‌گوید به جای تلاش برای تغییر قوانین، به عنوان مثال از طریق مجلس شورای اسلامی، اقلیت‌های جنسی و جنسیتی در ایران با بهزیستی و دیگر بخش‌های اداری حکومتی برای ایجاد تغییراتی که به آنها نیاز دارند، در تعامل‌اند.

در سال ۱۳۸۹ شمسی، دفتر آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی به لابی‌گری و کنشگری راهبردی تراجنسیتی‌ها پاسخ داد و دسته‌بندی علت معافیت آنها از خدمت سربازی را از «بند اختلال روانی» به «بند اختلال هورمونی» تغییر داد. حال که این

1. http://www.bbc.com/persian/arts/2012/05/120517_l41_mh_homophobia_day.

2. <http://maanaav.com/?p=379>.

«اختلال هورمونی» به عنوان علت معافیت روی کارت خدمت سربازی آنها درج می‌شود، دست‌کم به شکل نظری، میزان تبعیضی را که علیه ترانجسیتی‌های مرد جوای کار صورت می‌گیرد، کمتر می‌کند. نجم‌آبادی توضیح می‌دهد: «برای مقامات پزشکی و حقوقی، عمل تغییر جنس مشخصاً درمانی برای ناهنجاری بیمارگونه است و گاهی آن را گزینهٔ مورد تأیید مذهبی و حقوقی برای افراد دگرجنسگرایی معرفی می‌کنند که میل به رابطهٔ جنسی با همجنس یا این‌گونه رفتارها هم دارند.»

نظام حقوقی در مورد افراد دگرباش بی‌قاعده، آزاردهنده، و گاه کنایه‌آمیز است، چراکه همجنسگرایی را نمی‌پذیرد و به رسمیت نمی‌شناسد. قوهٔ قضاییه هیچ مفهومی از گرایش جنسی به‌جز گرایش به جنس مخالف را به رسمیت نمی‌شناسد و بنابراین از منظر قانونی، همجنسگرا یا دوجنسگرا معنا ندارد و اینها فقط افرادی‌اند که دست به رفتارهای همجنسگرایانه و غیرقانونی می‌زنند. از دید بسیاری از دگرباشان تأثیر گسترده و مخرب این قوانین و مجازات‌ها بر رفتار جنسی خصوصی دو فرد همجنس بزرگسال که به این رفتار رضایت دارند، چه در تفسیر و چه در کاربرد، می‌تواند مضحک باشد.

گزارشگر ویژهٔ سازمان ملل، عصما جهانگیر، در گزارش دوم خود دربارهٔ وضعیت حقوق بشر ایران — که بازهٔ زمانی اول ژانویه تا سی‌ویکم ژوئن را شامل می‌شد — اطلاعاتی را از تعدادی از کارشناسان و منابع جامعهٔ مدنی، از جمله بنیاد عبدالرحمان برومند، جمع‌آوری کرد تا «چالش‌های حقوق بشری جدی» ایران را تشریح کند. خانم جهانگیر در گزارش خود از قوهٔ قضاییهٔ ایران انتقاد کرد و تعداد روبه‌افزایش موارد مجازات اعدام به جرم همجنسگرایی را — که ایران غیرقانونی می‌داند — محکوم کرد. ایشان با ارائهٔ این نظرات سعی بر آن داشت تا شرایط سخت دگرباشان در ایران را نشان دهد.

بعد از انقلاب ۱۳۵۷ شمسی، نظام قضایی ایران دگروگون شد که بخشی از این دگروگونی ورود شریعت به قانون اساسی بود. در ایران، قانون شریعت اسلام تحت تأثیر حاکمیت مذهبی است که اثر زیادی بر فرایندهای قانونی دارد. بر اساس این قانون، قوانین جزایی و مدنی تغییر کردند و قوانین خانواده شامل ازدواج، طلاق، حضانت، و بسیاری از حقوق مدنی و حقوق زنان نیز دچار تغییرات شگرفی شدند.

با اشاره به کار نجم‌آبادی، تیلور و همکاران بیان داشته‌اند: «بعد از تأیید، جمهوری اسلامی ایران بیشترین تعداد عمل تغییر جنس را در سال در میان همهٔ کشورهای جهان انجام می‌دهد.»

بعد از انقلاب اسلامی، قانون جزای ایران نیز دستخوش تغییر شد. مجلس شورای اسلامی قانون مجازات اسلامی جدید را در سال ۱۳۸۹ شمسی بازبینی کرد و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲ شمسی، شورای نگهبان — که نهادی بالاتر از مجلس است — این قانون جدید را تصویب کرد که به شکل رسمی به آن قانون مجازات اسلامی گفته می‌شود. قانون مجازات اسلامی جدید انواع مختلف مجازات‌ها را شامل می‌شود. بر اساس قانون اسلامی، مجازات‌های حد مجازات‌هایی هستند که به «حق قانونی خداوند» مربوط می‌شوند. در این نوع مجازات، حکم مشخص است و دادگاه اجازهٔ تشخیص دیگری ندارد. در مجازات‌های تعزیر، تا حدودی فضا برای تشخیص قاضی وجود دارد. قانون مجازات اسلامی جدید شامل بندهای ضد و نقیضی همچون قانون قصاص یا انتقام قتل، سنگسار برای زنا، قطع عضو به دلیل دزدی و برخی مجازات‌ها برای جرائم ناشی از به‌خطر انداختن امنیت ملی و مجازات شلاق برای دامنهٔ وسیعی از جرائم می‌شود.

با وقوع انقلاب اسلامی، قانون مجازات اسلامی جدید به طور مستقیم و غیرمستقیم زندگی دگرباشان را دچار تغییر کرد. به طور خاص، در فصل دوم کتاب ۲ (حدود)، باب دوم (حد لواط)، مواد ۱۰۸ تا ۲۴۱ ترجیح روابط دگرجنسگرایانه در نظام حقوقی را کاملاً مشخص می‌کنند. بر اساس این قوانین، دگرباشان پذیرفته نیستند و از آنان حمایت نمی‌شود و انواع مجازات‌ها برای آنان در نظر گرفته شده است که برخی از آن‌ها در مواد قانون مجازات اسلامی تصریح شده است. برخی از مواد مندرج در قانون مجازات اسلامی در مورد دگرباشان به شرح ذیل است:

مادهٔ ۲۳۳- لواط عبارت از دخول اندام تناسلی مرد به اندازهٔ ختنه‌گاه در دبر انسان مذکر است.

ماده ۲۳۴- حدّ لواط برای فاعل، در صورت علف، اکراه یا دارا بودن شرایط احصان، اعدام و در غیر این صورت، صد ضربه شلاق است. حدّ لواط برای مفعول در هر صورت (وجود یا عدم احصان) اعدام است.

تبصره ۱- در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، حدّ فاعل اعدام است.

تبصره ۲- احصان عبارت است از آنکه مرد همسر دائمی و بالغ داشته باشد و در حالی که بالغ و عاقل بوده از طریق قبل با همان همسر در حال بلوغ وی جماع کرده باشد و هر وقت بخواهد امکان جماع از همان طریق را با وی داشته باشد.

ماده ۲۳۵- تفخیز عبارت از قرار دادن اندام تناسلی مرد بین ران‌ها یا نشیمنگاه انسان مذکر است.

تبصره- دخول کمتر از ختنه‌گاه در حکم تفخیز است.

ماده ۲۳۶- در تفخیز، حدّ فاعل و مفعول صد ضربه شلاق است و از این جهت، فرقی میان محسن و غیرمحسن و علف و غیرعلف نیست.

تبصره- در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد، حدّ فاعل اعدام است.

ماده ۲۳۷- همجنسگرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز از قبیل تقبیل و ملاسمه از روی شهوت، موجب سی‌ویک تا هفتادوچهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.

تبصره ۱- حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است.

تبصره ۲- حکم این ماده شامل مواردی که شرعاً مستوجب حد است، نمی‌گردد.

ماده ۲۳۸- مساحقه عبارت است از اینکه انسان مؤنث، اندام تناسلی خود را بر اندام تناسلی همجنس خود قرار دهد.

ماده ۲۳۹- حدّ مساحقه صد ضربه شلاق است.

ماده ۲۴۰- در حدّ مساحقه، فرقی بین فاعل و مفعول و مسلمان و غیرمسلمان و محسن و غیرمحسن و علف و غیرعلف نیست.

ماده ۲۴۱- در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم منافی عفت و انکار متهم، هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. موارد احتمال ارتکاب با علف، اکراه، آزار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب به علف است، از شمول این حکم مستثنی است.

از موارد بالا می‌توان دریافت که قانون مجازات اسلامی جدید رابطه همجنس‌گرایانه را جرم می‌داند و طیفی از مجازات‌ها را از صد ضربه شلاق برای رابطه جنسی از روی رضایت بین دو زن (ماده ۲۳۹) تا اعدام برای دخول جنسی از روی رضایت بین دو مرد (ماده ۲۳۴) دربرمی‌گیرد. همچنین این قانون سایر رفتارهای مشابه بین دو همجنس همچون لمس و بوسیدن را جرم می‌داند و تا هفتادوچهار ضربه شلاق برای آنها در نظر می‌گیرد. مواد ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مجازات اسلامی «مفعول» یک رابطه جنسی از روی رضایت میان دو مرد را به مرگ محکوم می‌کند، در حالی که قانون «فاعل» را در صورتی که مسلمان و مجرد باشد، تنها به صد ضربه شلاق محکوم می‌کند. بر اساس قانون مجازات اسلامی، مردان غیرمسلمان و متأهل که در یک رابطه جنسی رضایتمندانه شرکت دارند، به مرگ محکوم می‌شوند.

جالب اینجا است که دومین کتاب فصل چهارم قانون مجازات اسلامی که همه انواع جرائم جنسی را پوشش می‌دهد، در مورد تجاوز در میان زوج‌های متأهل کاملاً سکوت کرده است (البته باید گفت که برابر با فقه اسلامی و قانون خانواده حق تمکین بر گردن زن است و زن بدون عذر شرعی نمی‌تواند از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند). تجاوز جرمی پیش‌پاافتاده است، مگر اینکه عمل جنسی در خارج از روابط مورد تأیید مذهب اتفاق بیفتد. این منطق به این معنی است که دو مرد بزرگسال آگاه که در یک رابطه جنسی هستند، جرمی مرتکب شده‌اند و خطر مرگ را به جان می‌خرند.

بر اساس قانون مجازات اسلامی جدید، همجنسگرایی و مجازات اعدام بسیار به هم نزدیک‌اند. حالا می‌توان درک کرد که چرا برخی از دگرباشان که به قوانین واقف‌اند، در وضعیتی از نگرانی و ترس زندگی می‌کنند.

همانند دیگر ادیان ابراهیمی، قوانین اسلامی حاکم بر تمایلات جنسی در قرآن و سخنان پیامبر (ص) (احادیث و روایات) و حکم‌های رهبران مذهبی (فتوا) دیکته شده است که همگی تأییدی بر فعالیت جنسی در رابطه زناشویی میان یک مرد و یک زن است.

در اسلام، گفتمان همجنسگرایی اساساً به فعالیت‌های جنسی میان مردان می‌پردازد و تعداد کمی حدیث وجود دارد که در آنها به رفتار همجنسگرایانه زنان اشاره شده است. حقوق دانان بسیاری کورکورانه اظهار می‌کنند «هیچ مجازات حدی برای لزبین‌ها وجود ندارد، زیرا این عمل زنا نیست و زنان فاقد آلت تناسلی مردانه‌اند و نمی‌توانند عمل دخول را انجام دهند. با این تفسیر، آنها از نظر فیزیکی از انجام عمل زنا عاجزند، اما مجازات تعزیری را می‌توان برای آنها در نظر گرفت، چراکه این عمل گناه است.»

در تاریخ ایران، نقل مجازات لزبین‌ها به‌ندرت آمده است، اما نویسنده تاریخ طبری، در این کتاب، مثالی از اعدام دو دختر لزبین برده در حرم الهادی ارائه می‌کند. این نمونه در مجموعه‌ای از داستان‌های بسیار مهمی آمده است که اعمال خلیفه حاکم را روایت می‌کند.

از طرفی سه دین بزرگ ابراهیمی همجنسگرایی را گناه می‌دانند و به‌شدت با پیوند دو فرد همجنس مخالف‌اند. این محدودیت فشار و نگرانی زیادی را برای لزبین‌ها به‌وجود آورده است و همچنان به‌وجود می‌آورد، زیرا احساسات و امیال و عواطف آنها غیرطبیعی و انحرافی دانسته می‌شود. مدل همجنسگراهراس اسلامی که دگرجنسگراهنجاری را پاس می‌دارد، عملاً افراد لزبینی را که مجبور به پنهان کردن هویت خود هستند، در این گفتمان نادیده می‌گیرد و تمایل جنسی آنها را نفی می‌کند. زندگی آنها به عنوان لزبین‌های مسلمان تقاطع ویژه‌ای ایجاد می‌کند که در آن مذهب و تمایل جنسی با هم برخورد می‌کنند و با این حال، به وسیله همجنسگراهراسی مذهبی این دو مؤلفه از هم جدا می‌شوند و اجازه نمی‌دهند تا این زنان تمایل جنسی خود را کاوش و ابراز کنند. بسیاری از آنها با زندگی پنهانی سعی می‌کنند با این شرایط سازگار شوند. حتی آنهایی که عضو گروه حمایتی دگرباشان مسلمان (گروه ایمان) هستند، همچنان با درگیری‌هایی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. رویکردهای مذهبی سخت و متعصبانه در برابر همجنسگرایی اجازه نمی‌دهد تا اعتقاد مذهبی و تمایل جنسی آنها با هم آشتی کنند.

کتاب چاه تنهایی نویسنده انگلیسی، رادکلیف هال که برای اولین بار در سال ۱۹۲۸ میلادی توسط جاناتان کیپ منتشر شد، داستان زندگی پر از عذاب استغاف گوردون، زن انگلیسی طبقه مرفه جامعه، را روایت می‌کند که تمایل او به همجنس از همان سن کم مشخص است. این رمان لزبین بودن را وضعیتی طبیعی و خدادادی به‌تصویر می‌کشد و درخواست مشخصی را مطرح می‌کند: «به ما هم حق زندگی بدهید.» این درخواست در خصوص لزبین‌های مسلمان در ایران که با مسائل مختلفی از خشونت جنسی، پیروی از فرهنگ پدرسالار، به حاشیه رانده‌شدگی نسبی زنان، فشار شدید برای ازدواج، و ماهیت مذهب دست‌وپنجه نرم می‌کنند نیز کاملاً صادق است. تأثیر مذهب اسلام که به‌شدت در شکل‌گیری هویت افراد در زندگی روزانه و توسعه فردی نقش دارد، در کنار دیگر موارد و عوامل می‌تواند منشأ سختی و محدودیت برای زنان لزبین ایرانی باشد که به این ترتیب، از ابراز هویت خود عاجز می‌مانند.

روش تحقیق

این پژوهش^۱ دیدی کلی از پویاشناسی افراد دگرباش در ایران را نشان می‌دهد و کار میدانی در مرکزیت این بررسی‌ها قرار گرفته است. این پژوهش شامل ۴۰۰ روایت شخصی از تعصب و اشکال مختلف تبعیض است که شرکت‌کنندگان دگرباش از سه شهر بزرگ ایران آنها را برشمردند. برخلاف دیگر مطالعات در این زمینه، تحقیق حاضر دلایل و علت‌های ریشه‌ای ترس و سرکوب اجتماع دگرباشان را نیز بررسی کرده است.

^۱ احمدی، کامیل. (۱۳۹۷). داستان شهر ممنوعه: پژوهشی جامع در باب دگرباشان در ایران. لندن: نشر مهری؛

گروه‌های پنهان دگرباشان در ایران مرزهای ناشناخته‌ای دارند که تشخیص آنها، نزدیک شدن به آنها و در نتیجه، به دست آوردن اعتماد آنها را بسیار دشوار می‌کند. یکی از علت‌های این بی‌اعتنایی، نبود دانش و آگاهی درباره گرایش جنسی است. در واقع، تحقیقات اندکی درباره نگاه به همجنسگرایی در میان مسلمانان انجام شده است و علت اصلی نیز مشکلاتی است که مطالعه و تحقیق درباره موضوع‌های تابو در پی دارد. همچنین همان‌گونه که موری (۱۹۹۷) می‌گوید^۱، در جوامع مسلمان، فرهنگ انکار جمعی همجنسگرایان وجود دارد. مهم‌تر از همه این موارد، این تحقیق قصد دارد به جمع‌آوری و تحلیل نظام‌مند داده‌های مربوط به دگرباشان در ایران کمک کند که خلئی بزرگ و نیازی مبرم است.

روش‌های به‌کارگرفته‌شده برای تحلیل روش‌هایی ترکیبی‌اند که معمولاً در پژوهش‌هایی با ماهیت جامع و حساس استفاده می‌شوند^۲. روش‌ها شامل روش‌های کیفی، کمی، نظریه داده‌بنیاد، و نمونه‌گیری گلوله برفی است. باید توجه شود در حالی که این روش‌ها در اینجا به‌ترتیبی خاص آورده شده‌اند، فرایندها، در واقع، اگر هم تسلسلی داشته‌اند، به‌ندرت بوده است.

استفاده ترکیبی از یک روش همواره تطبیقی از تحلیل داده، نمونه‌گیری و جمع‌آوری داده به شکل مستمر بوده است که هریک به دیگری وابسته است. البته این کار مستلزم تحلیل در هر مرحله از فرایند پژوهش بود. بعد از جمع‌آوری داده‌ها از شرکت‌کنندگان — که در سراسر فرایند مصاحبه انجام شد — بلافاصله تحلیل داده‌ها شروع شد. استراوس و کوربن (۱۹۹۸) پنج هدف برای روندهای کدگذاری مشخص کرده‌اند: ۱. ایجاد نظریه تا آزمودن آن، ۲. ارائه ابزارهای تحلیلی به پژوهشگران برای مدیریت حجمی از داده‌های خام، ۳. کمک به تحلیلگران برای در نظر گرفتن معانی دیگر یک پدیده، ۴. نظام‌مند بودن و هم‌زمان خلاق بودن کدگذاری‌ها، ۵. شناسایی، تولید و وصل کردن مفاهیمی که بخش‌های سازنده یک نظریه هستند. در حالی که اساساً جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها تفسیری است، این فرایند شامل گام‌های مشخصی می‌شود. اولین گام کدگذاری باز است که در طی آن طبقه‌بندی اطلاعات از مصاحبه‌های اولیه انجام می‌شود و دارای زیرگروه‌ها، ویژگی‌ها و ابعادی نیز هست (دامنه و تفاوت‌ها در هر طبقه). در کدگذاری باز، داده‌ها به بخش‌های مشخصی تقسیم می‌شوند، به دقت بررسی و برای یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها مقایسه می‌شوند^۳. هرگاه ویژگی‌ها کلی یا صفت مشخص یک دسته باشند، ابعاد نشان‌دهنده محل آن ویژگی در یک طیف یا دامنه قرار می‌گیرد^۴. در این مطالعه، این ویژگی‌ها و ابعاد آنها را می‌توان در خارج از جمع‌آوری داده‌ها تعریف کرد.

قدم دوم در تحلیل کدگذاری محوری است، یعنی فرایندی از اتصال مجدد زیرگروه‌ها به یکدیگر به شکلی جدید و از نظر مفهومی، متفاوت برای کشف رابطه‌های بین ویژگی‌ها و ابعاد. هنگامی که کدگذاری به شکل محوری انجام می‌شود، پژوهشگر به دنبال «پاسخ به سؤال‌هایی همچون چرا یا چطور، کجا، چگونه یا با چه نتیجه‌ای است»^۵. در این مرحله، شرایط بررسی و بیان روابط (فرضیه‌های مختلف) آماده ارائه می‌شوند.

کدگذاری انتخابی گام بعدی است^۶ که «فرایند ادغام و تصفیة نظریه» یا ایجاد یک دسته هسته‌ای یا مرکزی که به همه دسته‌های دیگر مرتبط است را شامل می‌شود. این خط اصلی داستان است که نهایتاً به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهد. برای اینکه یک دسته دسته اصلی دانسته شود، باید قدرت تحلیلی داشته باشد که از «توانایی آن برای جمع کردن دسته‌بندی‌های دیگر

1. Murray, S.O (1997). The will not to know: Islamic accommodations of male homosexuality. In S.O. Murray & W. Roscoe (eds.), *Islamic homosexualities: Culture, history and literature*. New York: New York University Press, pp.14-54.

2 Jones, Susan R, Vasti Torres, and Jan Arminio.(2013). *Negotiating the Complexities of Qualitative Research in Higher Education: Fundamental Elements and Issues*. Routledge; Whitaker, Brian. (2011). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Saqi.

3. Strauss & Corbin (20011) *The world we see: A study on LGBTQ in Asia*, Tauris publishing, USA, LA , p. 102.

4. Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications , p. 116.

5. Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 116.

6. Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 143.

در کنار هم برای ایجاد یک کلیت روشن برمی‌آید. در عین حال، یک دسته اصلی باید بتواند توضیحی برای تفاوت‌های قابل ملاحظه درون دسته‌ها باشد^۱. در پژوهش حاضر، ایجاد این دسته اصلی سبب شد تا «خط روایتی» به وجود آید که به روشنی پدیده در حال شکل‌گیری را توضیح می‌داد که در این مورد، همان تجربه افراد دگرباش و ایجاد حس کارایی و سازگاری در آنها در بافتار ایران بود.

در حالی که رویکردها در مورد اجتماع دگرباشان در سراسر جهان اخیراً همراه با مدارای بیشتر است، ایران همچنان یکی از کشورهایی است که در مقابل تغییر مقاومت می‌کند. در برخی نواحی ایران، حتی همجنسگرایی به عنوان موضوع گفت‌وگو رد می‌شود و در نتیجه، گروه‌های حمایت‌یابی دگرباشان تشکیل نمی‌شوند و تغییری را ایجاد نمی‌کنند. زیرساخت مذهبی در ایران «برساختار» حقوقی و سیاسی‌ای را می‌سازد که بر اساس فقه سنتی شیعه تعریف می‌شود. این نظام ایدئولوژیک به‌ندرت به صداها و دیگر اجازه می‌دهد تا شنیده شوند و همچنان تفسیرهای سفت و سخت مذهبی را حفظ می‌کند^۲.

به عنوان جامعه‌ای سنتی، ایران بر مذهب (و معجزه) در هنجارها و ارزش‌های رفتاری تأکید می‌کند و استمرار پیوندهای عمیق با گذشته‌ای واقعی یا فرضی را تشویق می‌کند^۳. مذهب در ایران نقشی محوری دارد. بیشتر ساختارهای خانوادگی بر اساس آموزه‌های مذهبی شکل گرفته‌اند و بیشتر حول آموزه‌های پیامبر اسلام (ص) می‌چرخند. تأثیر عظیم مذهب بر هویت و سبک زندگی افراد در حال حاضر نیز شگرف است، اما در مورد دگرباشان از این هم بیشتر است، چراکه باورهای مذهبی اسلامی اساساً همجنسگراهراس‌اند. مذهب فقط باور و نیایش شخصی نیست، بلکه حوزه‌ای عمومی را تشکیل می‌دهد که کل ملت را در برمی‌گیرد و هرچه خانواده‌ای مذهبی‌تر و متعصب‌تر باشد، فشار بیشتری بر فرد وارد می‌کند. بنابراین با توجه به جایگاه اجتماعی و بیولوژیک اقلیت‌های جنسی، مذهب اهرم فشار قدرتمندتری برای کنترل جنسی فراهم می‌کند.

بر اساس آنچه بررسی شد و مورد گفت‌وگو قرار گرفت، تنها می‌توان نتیجه گرفت که مذهب، قوانین مصوب کشور، و بافتار سنتی اجتماع همگی عوامل مهمی‌اند که در زندگی محدود همجنسگرایان نقش دارند. این امر به روابط نامتوازن، ناهنجاری‌های روانی، و نهایتاً سبک زندگی و هویت‌یابی متفاوت می‌انجامد. این هویت شامل برخی مؤلفه‌هایی می‌شود که بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده در طی کار میدانی موضوع تمرکز بوده‌اند. مشخص است که این هویت تازه شکل‌یافته راهبردها و عملکردهای رفتاری خاصی را در پی می‌گیرد که به تفصیل در بخش اقدامات راهبردی تحلیل شده‌اند.

با در نظر گرفتن تأثیر مذهب بر شهر مذهبی مشهد و ماهیت تابوی موضوع دگرباشان، این دو نیرو تأثیر مذهب بر هویت و سبک زندگی فرد را روشن می‌کنند^۴. علاوه بر این تأثیرات بافتاری بر خانواده و هویت‌یابی، باورهای مذهبی در شهر مشهد نیز غالب‌اند و همین موضوع اقلیت‌های جنسی مشهد را از دیگر شهرها متمایز می‌سازد. باورهای مذهبی اقلیت‌های جنسی نه تنها آنها را در مقابل پذیرش تمایلاتشان مقاوم می‌کند، بلکه سبب می‌شود در مورد مخفی کردن هویت خود مصمم شوند. انگ همراه با همجنسگرایی در اجتماعات اسلامی می‌تواند تأثیر زیادی بر مسلمانانی داشته باشد که خود را گمی‌دانند. در ایران، بیشتر افراد مفاهیم پایه اسلام را در زندگی اجتماعی خود دنبال می‌کنند و بنابراین روابط جنسی نیز تا وقتی با هنجارهای اجتماعی پذیرفته شده در تضاد نباشد، درست تلقی می‌شود. در چنین نظامی، همجنسگرایی تحمل نمی‌شود، چه رسد به اینکه هنجار اجتماعی پذیرفته‌ای تلقی شود.

1. Corbin, J.; Strauss, A. (2008). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 146.

2. Denied Identity: Human Rights Abuses Against Iran's LGBT, from www.iranhrdc.org/english/publications/reports/1000000398.

3. Difference between Traditional and Modern Society, from www.yourarticlelibrary.com/Society.

4. Between Religion and Desire: Being Muslim and Gay in Indonesia, from www.sjsu.edu/.../courses/soci172/s0/10GayMuslim.pdf.

مذهب فشار مضاعف دیگری بر اجتماع دگرباشان ایرانی است. همان‌گونه که در فصل اول عنوان شد، باورهای مذهبی همیشه از عوامل و نقش‌پردازان اصلی‌ای بوده‌اند که در نقطه تلاقی اصلاحات اجتماعی پیش‌رو و دوره‌های گذار قرار دارند و در پذیرش همجنسگرایی اخلاقی ایجاد می‌کنند. جامعه ایرانی ارزش زیادی برای رعایت عرف قائل است و در آن ابراز فردیت نکوهش می‌شود. همچنین بر حفظ «هنجارهای» اجتماعی با نقش‌های تعریف‌شده برای مردان و زنان در یک فضای دوقطبی تأکید می‌شود. همجنسگرایی این نظم اجتماعی را به‌چالش می‌کشد. برای میلیون‌ها نفر دنباله‌روی کورکورانه از یک مذهب عاری از مدارا که اکیداً می‌گوید همجنسگرایی گناهی نابخشودنی است، امری مهم است. وقتی هنجارهای اجتماعی مقدس در چهارچوب مؤلفه‌های قوانین موردتأیید اسلام تهدید می‌شوند، مذهب ابزار و واحدی تعدیل‌کننده برای سازماندهی و کنترل رفتارهای اجتماعی می‌شود. برای خانواده، همجنسگرایی مشابه ترک مذهب (ارتداد) است.

من کاری برای اینکه خدا رو تحت تأثیر قرار بدم، نمی‌کنم. نه نماز می‌خونم، نه قرآن. روزه هم نمی‌گیرم. به خدا قسم می‌خورم و سکس مقعدی دارم.

دوجنسگرایی ۲۸ ساله از تهران

مذهب با ایجاد آشفتگی ذهنی برای فرد می‌تواند فشاری مضاعف بر تصمیمات فردی، اجتماعی، و جنسی فرد وارد کند. تفسیرهای زیادی در گفتمان حاضر وجود دارد که آیا گی بودن در اسلام پذیرفته‌شده است یا نه و بسیاری در تلاش‌اند تا معنویت و تمایل جنسی خود را همسو سازند. آن دسته از گی‌های مسلمان که تمایل جنسی خود را به عنوان عملی غیراخلاقی یا غلط مفهوم‌سازی می‌کنند، همواره در تقلائی عزت‌نفس هستند. برای مثال، این دیدگاه را در نظر بگیرید که به شکل وسیعی نیز پذیرفته شده است و معتقد است همجنسگرایی گناه است. اسلام موکداً و بدون تردید همجنسگرایی را رفتاری منحرفانه می‌داند. برای افراد دگرباش، شروع شناخت گرایش جنسی با یک ناامیدی معنوی و مذهبی اگزستانسیال سرکوب می‌شود. بسیاری شکی ندارند که همجنسگراهراسی با قدرت در فرهنگ ایرانی باقی می‌ماند. حس درونی‌سازی‌شده مذهب که هسته وجود فرد است، مفاهیم اجتماعی و مذهبی زنانه و مردانه، و رابطه با غیرهمجنس به عنوان تنها رابطه اجتماعی پذیرفته‌شده در چهارچوب اسلامی سبب می‌شوند تا فرد احساسات طبیعی خود را از منشور محکومیت صرف همجنسگرایی و ساختاری مذهبی مورد قضاوت قرار دهد. مشخص است که برچسب‌خوردگی همراه با همجنسگرایی در اجتماعات اسلامی اثرات عمیقی بر مسلمانانی که خود را گی می‌دانند، می‌گذارد.

می‌توان به راحتی دید که چگونه باور مذهبی در نفی همجنسگرایی می‌تواند سبب شود که برخی گی‌های مسلمان همجنسگراستیزی درونی‌شده‌ای را در خود پرورش دهند. برای آن دگرباشانی که هدف نفرت همجنسگراستیزان قرار می‌گیرند، تقلائی درونی ناگزیرشان که گاهی فقط بعد از سال‌ها مواجهه با تمایلات جنسی تعیین‌شده تغییر می‌کند، به نوبه خود به انکار مذهب و بی‌اعتقادی به جزای مذهبی منجر می‌شود.

افراد دگرباش همواره موضوع تفسیرهای انسانی‌اند و این تفسیرها ممکن است بر اساس زمان و مکان و شرایط اجتماعی تغییر کند. در این راستا، بیشتر پاسخ‌دهندگان حامی تفسیرهای اخلاق‌محورتر متون مذهبی بودند که تکثر را گرامی می‌داشتند و برای تفاوت بین مخلوقات خداوند ارزش قائل بودند و در مقابل تفسیرهای غالب از قرآن — که متفکران برای محکوم کردن همجنسگرایی به آنها متوسل می‌شوند — مقاومت نشان می‌دادند.

مسلمانان به داستان لوط در قرآن متوسل می‌شوند (مانند داستان لات در انجیل) تا بگویند که اسلام مردانی که به مردان دیگر عشق می‌ورزند را محکوم می‌کند. گی‌های مسلمان زیادی تفسیر متفاوتی از این داستان دارند و معتقدند که این داستان

خشونت را محکوم می‌کند و نه عمل جنسی خاص را^۱. برخی از دگرباشان مسلمان در تلاش برای آشتی دادن ایمان و تمایل جنسی خود، بین «اعمال همجنسگرایانه» و «هویت همجنسگرایانه» تمایز قائل می‌شوند تا بر این واقعیت صحنه بگذارند که بر اساس طرح الهی غیردگرجنسگرا به دنیا آمده‌اند. بنابراین همجنسگرایی آنها ابراز اراده الهی است و نه یک انتخاب شخصی محض هوس یا امیال پلید. همچنین تعداد کمی از متفکران اسلامی، عمدتاً در غرب، بازبینی آموزه‌های اسلام درباره رابطه جنسی دو همجنس را شروع کرده و نتیجه گرفته‌اند که محکوم کردن صرف تفسیری بسیار اشتباه است^۲.

با این حال، بسیاری از این افراد انتخاب‌های محدودی دارند که عبارت‌اند از: به باورهای خود وفادار بمانید، خودتان باشید، چون نمی‌توانید به ماسک زدن یا انکار تمایل همجنسگرایانه خود ادامه دهید.

در شرایطی که کسی از حمایت خانواده و اطرافیان محروم است و مذهب نیز تسکینی برای فرد نیست و او را طرد می‌کند، جای تعجب ندارد که فرد باورهای مذهبی خود را ازدست می‌دهد و به حمایت منابع سکولار چشم می‌دوزد. در مقابل این، عامل مذهب گاهی افراد را به ایدئولوژی محافظه‌کارانه‌تر سوق می‌دهد. افراد دگرباشی که ترس از واکنش و قضاوت منفی خانواده را همواره با خود داشته‌اند، سعی می‌کنند از خود سازگاری نشان دهند و تا جایی پیش می‌روند که رفتار و گفتار و سبک لباس پوشیدن دگرجنسگرا را تقلید می‌کنند. این محافظه‌کاری می‌تواند به روابط کوتاه‌مدت منجر شود.

روح اسلام چیزی نیست، مگر همدلی و مدارا و درک و با این حال، دگرباشان چندان چهارچوب مذهبی مثبتی در ارجاع به اسلام در دست ندارند. پذیرش یا تأیید همجنسگرایی همچون به‌لرزه درآوردن پایه‌های اسلام دیده می‌شود. با وجود این، نیاز به مذهبی که گروه‌های دگرباشان را به رسمیت بشناسد و بپذیرد که تمایل دارند سکولار باشند، در این مقطع از زمان دیده نمی‌شود. این امر سبب شده است که بسیاری از افراد راهی جدید به سوی نیروهای متافیزیکی و ایدئولوژی‌های معنوی جایگزین در زندگی خود درپیش گیرند تا اینکه بخواهند مذهب غالب و حاکم اسلام را دنبال کنند. این مفاهیم شامل انسانیت، باور به کرامت انسانی به عنوان مذهب واقعی یا تمایل به عرفان‌های تازه‌ای می‌شود که به سیالیت جنسی اعتقاد دارند. احتمالاً قرن حاضر می‌تواند روایت تاریخی آمیختگی و مدارا و همزیستی باشد که از حمایت سطحی و هشتگ همبستگی به مراتب فراتر رفته است.

همان‌گونه که روایت منتخب ذیل از صدای غم‌زده دگرباش شرکت‌کننده در این پژوهش نشان می‌دهد، سفر به سوی پذیرش سفری سخت است.

به‌یاد دارم که تو کوچیکی با مادر و پدرم به مسجد می‌رفتم، اما بعد از این مسائل و مشکلات، در وهله اول حالت تدافعی نسبت به خدا پیدا کردم، چون واقعاً تحت فشار بودم. خدا می‌تونست من رو هم مثلاً افراد دیگه همجنس خلق کنه، می‌تونستم زندگی عادی داشته باشم، ازدواج کنم، بچه‌دار بشم. می‌تونستم راحت زندگی کنم. من هنوز هم همون احساس رو دارم. مسئله‌ای که ما با اون روبه‌رو هستیم، گاهی واقعاً باعث می‌شه باورهامون رو نادیده بگیریم، اما این مشکل سبب شد بسیاری از باورهام رو ازدست بدم. دوست دارم روزی بمیرم و فقط از خدا بپرسم چرا. کسایی هستن که من با اونا در ارتباط هستم و برخی دیگه مثلاً من همین مشکل رو دارن. من واقعاً خسته شدم.

ل‌زبین ۳۱ ساله از مشهد

از طرفی بدلیل اینکه دگرباشان در ایران مورد آزار و هجوم قرار می‌گیرند. قوانین علیه آنها است. آنها در مقابل آزار و سوءاستفاده و خشونت خانواده و جامعه آسیب‌پذیرند. رابطه‌ای ابدی و جدایی‌ناپذیر بین مذهب و هنجارهای جنسی در ایران و نظام حقوقی و

¹. Muslim attitudes about LGBT are complex, far from universally, from www.usatoday.com/.../muslim-lgbt-gay-views/86046404.

². Islam and Homosexuality: What does the Koran say, from www.haaretz.com/middle-east-news/1.724908.

قوانین خشن آن وجود دارد که بر این اساس، افرادی که مذهب و هنجارهای جنسی را رعایت نمی‌کنند، مجازات می‌شوند. مجازات‌های قانونی از طرف دولت، نظام قضایی، و بازیگران غیردولتی مانند مدارس و اجتماعات و خانواده‌ها اعمال می‌شود. قوانین ایران درقبال تبعیض یا آزار این گروه به‌دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسیتی خاصشان از آنها حمایت نمی‌کند. افراد دگرباش از این حق قانونی که به آنها این امکان دهد که خودشان باشند، محروم‌اند.

قانون مجازات اسلامی ایران از واژه لواط در ارجاع به نام حضرت لوط (لوط در قرآن) و داستان لواط استفاده می‌کند. ربط این داستان به همجنسگرایی محل مناقشه است، اما همین کفایت می‌کند که مقامات مذهبی در ایران تصمیم گرفته‌اند تا چنین تفسیری را درپیش بگیرند.

در راستای قانون مجازات اسلامی ایران — که به تفصیل در فصل یک کتاب‌های پیشین مؤلف^۱ مورد بحث قرار گرفته است — خلاصه غیرقابل انکاری بین مصوبات جزایی و واقعیت‌های اجرایی وجود دارد. مطالعه اخیر نشان می‌دهد که مجازات‌ها برای رابطه همجنسگرایانه (به فصل چهارم نگاه کنید)، بچه‌بازی، و لزبین بودن ترکیبی از مجازات‌های بدنی مانند شلاق است و در صورت تکرار عمل و وجود شواهد و مدارک، فرد همجنسگرا به مجازات مرگ یا سنگسار محکوم می‌شود، هرچند سال‌ها است که چنین حکمی صادر نشده و به نظر می‌رسد نظام قضایی و پلیس اجتماع دگرباشان را، تا جایی که در تعداد بالا جمع نشوند و نامرئی باقی بمانند، تحمل می‌کند. وقتی از اقلیت‌های جنسی درباره اطلاعات حقوقی آنها پرسیده می‌شد، بسیاری درباره جزئیات اجرای قوانین سردرگم بودند، هرچند برخی شرکت‌کنندگان از کلماتی مانند اعدام یا سنگسار و شلاق استفاده می‌کردند. آن‌گونه که مشاهده شد، در حالی که بسیاری از اقلیت‌های جنسی مشارکت‌کننده شدیداً احساس می‌کردند که تحت کنترل‌اند، حسی از بی‌اعتنایی در مورد مجازات‌ها نیز در بین آنها دیده می‌شد، زیرا اخیراً هیچ موردی از اعدام و سنگسار گزارش نشده است و بسیاری احتمال چنین مجازات‌هایی را بسیار پایین می‌دانستند. در کار میدانی حاضر، تیم پژوهشی شاهد تهدید گاه‌به‌گاه پلیس بود. پلیس و حضور نیروهای گشت ارشاد چندین بار در خلال کار میدانی، در پارک‌ها، روند مصاحبه را متوقف کردند و باعث شدند شرکت‌کنندگان متفرق شوند تا شناسایی نشوند. لازم به ذکر است که روش کار میدانی در شهرهای تهران و مشهد و اصفهان متفاوت بود و حتی این تفاوت در ناحیه‌های مختلف یک شهر نیز وجود داشت. علاوه بر مشکل تأمین امنیت شرکت‌کنندگانی که مایل به مصاحبه بودند، این حمله‌ها باعث می‌شد تا مصاحبه‌ها مختل شوند. در یکی از مصاحبه، مرد همجنسگرایی از مشهد احساسش را این‌گونه بیان کرد:

اجتماعات اقلیت‌های جنسی آسیب‌پذیری فعلی رو بر اساس بافتار و نوعشان برمی‌انگیزن. جمع شدن برای جشن تولد یا سالگرد در صورت حضور افراد تراجنسیتی یا کسانی با آرایش و پوشش خاص، باعث واکنش‌های مختلف پلیس می‌شه. مخصوصاً تو مشهد و تهران شنیدم که اتفاقای خوبی برای همجنسگراها افتاده، مثلاً مهمونی یا چیزای دیگه، اما مشهد محل حرم شخصیت مهم مذهبی هست و به همین دلیل، وحشتناکه، اصلاً نمی‌دانم چرا. تفسیر مصاحبه‌ها نشان داد که اضطراب‌ها و دغدغه‌های اقلیت‌های جنسی الزاماً به نیروهای امنیتی دولت محدود نمی‌شد و افشای بالقوه گرایش جنسی آنها نزد خانواده، دوستان، و اقوام نیز برایشان نگرانی دیگری بود.

۱. الف) احمدی، کامیل. (۱۳۹۶). طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه؛

ب) همان. (۱۳۹۵). سنت: پژوهشی جامع درباره ختنه زنان در ایران. تهران: شیرازه؛

ج) همان. (۱۳۹۸). خانه ای بر روی آب: پژوهشی جامع بر باب ازدواج موقت و صیغه محرمیت در ایران. تهران: شیرازه.

به منظور درک رابطه همجنسان، باید ریشه‌های چنین گرایشی مورد بررسی قرار گیرد. بحث علمی در مورد ریشه‌شناسی همجنسگرایی و بررسی تمایلات جنسی موضوعی پیچیده و خارج از چهارچوب طرح پژوهشی حاضر است. دو نظریه اصلی درباره علل گرایش به همجنس وجود دارد؛ یکی اینکه گرایش به همجنس اساساً تحت تأثیر عوامل ژنتیکی و بیولوژیک است و همجنسگرایی را گرایشی مادرزادی می‌داند. به معنی ساده بر این اساس، افراد «گی یا لزبین» به دنیا می‌آیند. نظریه دیگر می‌گوید که تمایلات همجنسگرایانه اساساً در نتیجه تأثیرات روانی و محیطی و تجربیات اولیه به وجود می‌آیند. در نهایت، احتمالاً چند عامل وجود دارد که در کنار هم می‌آیند و سبب همجنسگرایی می‌شوند. اولین رابطه جنسی معمولاً در مقطع متوسطه یعنی از ۱۵ یا ۱۶ سالگی به بالا اتفاق می‌افتد، هرچند در برخی موارد نادر، در مقطع ابتدایی نیز دیده شده است. چنین روابطی رفته‌رفته به تعاملات جنسی جدی‌تر می‌انجامد. در این سن، افراد هنوز معصومیت کودکی خود را دارند. نوجوانی با تغییرات عمیقی در حوزه‌های مختلف همراه است. بلوغ فکری، رشد قابل ملاحظه روانی - اجتماعی و مجموعه‌ای از تغییرات فیزیکی که انعکاسی از فرایندهای عصبی و هورمونی‌اند، همگی با فرایندی که بلوغ خوانده می‌شود، درهم تنیده‌اند. این فرایند بلوغ با افزایش سطح هورمون‌های جنسی همراه است. در طی دوره بلوغ، بدن هورمون‌هایی ترشح می‌کند که سبب می‌شوند تخمدان‌ها هورمون زنانه استروژن تولید کنند. مشخص‌ترین تغییرات فیزیکی در طی بلوغ نشان‌دهنده تأثیر بالای هورمون‌ها هستند. نشانه‌های ثانویه تغییرات جنسی (تشکیل پستان، رشد بیضه‌ها و آلت تناسلی مردانه و موهای ناحیه تناسلی)، تغییرات در ترکیب فیزیکی، و باروری همگی، در این دوره، کاملاً مشهودند^۱.

مادرم تعریف می‌کنه که از یچگی می‌خوام یسر باشم. حتی برای من هم عجیبه. یه اونا می‌گفتن من رو قرشاد صدا کنید. پیرهن نمی‌پوشیدم. معمولاً دخترها تصویری از روز عروسی و این جور چیزا دارن، اون موقع فکر می‌کردم یا یه دختر عروسی می‌کنم. دوستای دخترم رو دوست داشتم. عاشق دختر همسایه شدم. بعدها عاشق دخترعموم شدم. چون هنجارهای اجتماعی یه تو می‌گفتند که دگرجنسگرایی عادیه، فکر می‌کردم یس همینه. فکر می‌کردم کار درست ازدواج یا یه مرده.

دوجنسگرایی ۲۸ ساله از تهران^۲

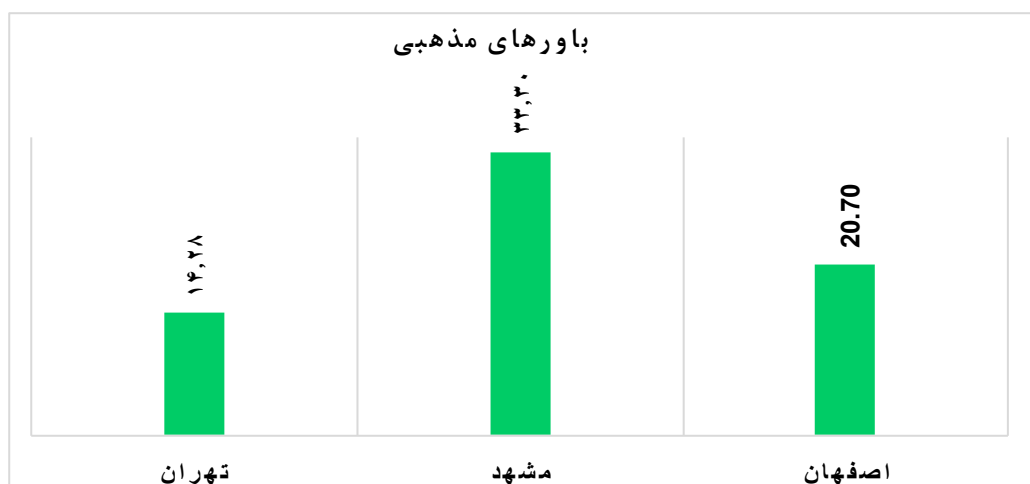
در دوره دانشگاه تجربه سختی پیش اومد که همه زندگی من رو عوض کرد. کسی در دانشگاه بود و ما خیلی به هم علاقه‌مند بودیم. من به اون ابراز علاقه کردم و اون هم ظاهراً مشکلی نداشت. اما اون دگرجنسگرا بود. به هر حال، ما دو سال در رابطه بودیم که یک سال و نیم اون برای من خیلی سخت بود. به اون وابسته شده بودم. زندگی من از دست رفت. استودیویی داشتم که در اون آواز می‌خوندم. همه چی رو کنار گذاشتم. دست از شعر گفتن کشیدم و شروع کردم به خوردن مشروب، بیشتر به این دلیل که رابطه اشتباهی رو شروع کرده بودم.

۲۳ ساله از تهران

1. Puberty stages for boys and girls, from www.emedicine.com.

نتایج کمی مطالعه پژوهشی

با توجه به زندگی پنهانی دگرباشان و بیم قابل درک افشای هویت جنسی، این مطالعه پژوهشی نمی‌تواند صددرصد ادعا کند که جمعیت نمونه نماینده جمعیت عمومی دگرباشان است. با این حال، داده‌ها حاکی از واقعیت‌هایی هستند که بر اجتماع دگرباشان ایران سایه انداخته است. این پژوهش از تکنیک‌های میدانی و مصاحبه‌های هدفمند برای به دست آوردن تخمینی از تعداد همجنسگرایان در ایران با تمرکز بر سه شهر عمده تهران و مشهد و اصفهان استفاده کرده است که نتایج آن از منظر باورهای مذهبی در ذیل ارائه می‌شود: نمودار ۱ نشان‌دهنده شیوع باورهای مذهبی در میان جمعیت نمونه در تهران و مشهد و اصفهان است. بر اساس این نمودار، ۱۴,۲۸٪ همجنسگرایان در تهران، ۳۳,۳٪ آنها در مشهد، و ۲۰,۷٪ در اصفهان به مفاهیم مذهبی مانند خدا و آیین‌هایی مانند نماز و روزه اعتقاد دارند. این داده‌ها نشان می‌دهد که همجنسگرایان در مشهد باورهای مذهبی قوی‌تری دارند، چراکه پرورش و اجتماعی شدن در سایه مذهب در این شهر شایع‌تر است. اصفهان و تهران مدرن‌ترند و باورهای مذهبی در آنها کم‌رنگ‌تر است. همچنانکه قبلاً نیز توضیح داده شد، اعتقاد و باور بسیاری از دگرباشان به مسائل دینی همانند سایر مردم عرفی و سنتی است و چه‌بسا در اعیاد و ایام مذهبی دگرباشان نیز شرکت داشته باشند و بسیاری از آنها در چنین برنامه‌های مذهبی از قبیل مراسم عاشورا شرکت می‌کنند.



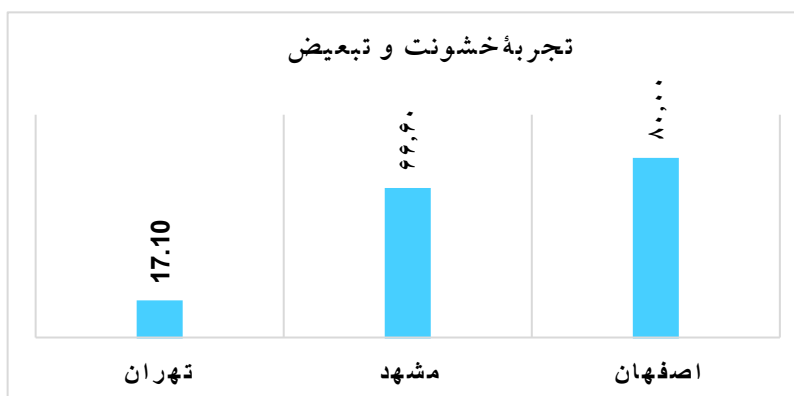
نمودار ۱: درصد باورهای مذهبی در جمعیت نمونه

نتایج کمی مطالعه پژوهشی

همان‌گونه که پیش از این تأکید شد، با توجه به زندگی پنهانی دگرباشان و بیم قابل درک افشای هویت جنسی، این مطالعه پژوهشی نمی‌تواند صددرصد ادعا کند که جمعیت نمونه نماینده جمعیت عمومی دگرباشان است. با این حال، داده‌ها حاکی از واقعیت‌هایی هستند که بر اجتماع دگرباشان ایران سایه انداخته است. این پژوهش از تکنیک‌های میدانی و مصاحبه‌های هدفمند برای به دست آوردن تخمینی از تعداد همجنسگرایان در ایران با تمرکز بر سه شهر عمده تهران و مشهد و اصفهان استفاده کرده است که نتایج آن از منظر دینی و مذهبی در ذیل ارائه می‌شود:

در ایران، سه نیرویی که رفتار فرد را به او دیکته می‌کنند، قانون، مذهب، و عرفاند که هر سه علیه همجنسگرایی موضع گرفته‌اند. این سه نیرو به شکل مجزا، جمعی و هم‌زمان عمل می‌کنند. پس همجنسگرایان ایران نمی‌توانند مانند دگرباشان در کشورهای دیگر هویت خود را آشکار کنند. با وجود این، نشانه‌هایی وجود دارد که ردی از پذیرش همجنسگرایی را نشان می‌دهد؛ یعنی این سبک زندگی خاص، با رعایت احتیاط، بیش‌ازپیش در حال رشد است.

در نظام اخلاقی و حقوقی پیشامدرن، عمل جنسی اغلب فقط وسیله تولیدمثل دانسته می‌شد که مهم‌ترین کاربردش نیز تلقی می‌شد و هرگونه عمل جنسی که به تولیدمثل نینجامد، غیراخلاقی تلقی می‌شد. برای مثال، خودارضایی و رابطه مقعدی با زنان، استفاده از وسایل پیشگیری، و رابطه جنسی با افراد همجنس غیراخلاقی و از منظر مذهبی گناه محسوب می‌شدند. نمودار شماره ۲ درصد خشونت، تبعیض و تحقیر تحمیل شده به همجنسگرایان در تهران و مشهد و اصفهان را نشان می‌دهد. بر اساس این نمودار، بیشترین خشونت و تبعیض به ترتیب در اصفهان (۸۰٪)، مشهد (۶۶٫۶٪) و تهران (۱۷٫۱٪) رخ می‌دهد. در قیاس با تهران، مشهد و اصفهان سنتی‌تر و مذهبی‌تر هستند. بنابراین همجنسگرایی را انحراف و ناهنجاری می‌دانند و جای تعجب نیست که این دو شهر نرخ بالایی از خشونت علیه همجنسگرایان را نشان می‌دهند. مخالفان همجنسگرایی آن را فساد اخلاقی یا امری غیرطبیعی می‌دانند. همجنسگراستیزی و انگ‌زنی در این جوامع دلایل عمده خشونت و تبعیض است. در جامعه ایران، همجنسگرایی بر اساس قانون مستوجب مجازات‌هایی همچون اعدام و شلاق است. از بُعد مذهبی، این موضوع غیرقابل قبول و رفتاری نابهنجار است.



نمودار شماره ۲: درصد تجربه خشونت و تبعیض در جمعیت نمونه از منظر مذهبی

نتایج پژوهش در جوامع اسلامی

با آنکه همجنسگرایی در بسیاری از جوامع غربی مورد پذیرش بیشتری است، همچنان با انگ همراه است و در بسیاری از موارد، در کشورهای اسلامی ممنوع است.^۱ در خاورمیانه، رویکردها در مورد اجتماع دگرباشان — آن‌گونه که در سراسر جهان تغییر کرده است — تغییر نکرده‌اند. خاورمیانه همچنان بیشترین مقاومت را نسبت به تغییر به خرج می‌دهد. در بسیاری از نقاط این منطقه، حتی صحبت درباره همجنسگرایی نکوهش می‌شود و این موضوع کار را برای گروه‌های حمایت‌یابی دگرباشان در ایجاد تغییر بسیار دشوار می‌کند. در مطالعه‌ای درباره رویکردهای جهانی به همجنسگرایی، از سوی مرکز پژوهش‌های پیو مشخص شد^۲ که در مقابل ۸۰٪ از کانادایی‌ها و انگلیسی‌ها، کمتر از ۵٪ افراد مورد تحقیق در مصر، اندونزی، اردن، پاکستان، فلسطین، و تونس معتقد بودند که جامعه باید همجنسگرایی را بپذیرد. تنها کشورهای مسلمانی که رواداری بیشتری از خود نشان داده‌اند، مالزی (۹٪)، ترکیه (۹٪)، و لبنان (۱۸٪) بودند که ظاهراً اسلام نقش کمتری در زندگی سیاسی و اجتماعی این کشورها بازی می‌کند.^۳

^۱ Homosexuality and Islam | Rusi Jaspal - Academia.edu, from www.academia.edu/6868516/Homosexuality_and_Islam.

^۲ Whitaker, Brian. (2006). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Berkeley: University of California, p.184

^۳ Homosexuality and Islam | Rusi Jaspal - Academia.edu, from www.academia.edu/6868516/Homosexuality_and_Islam.

بیشتر کشورهای اسلامی همجنسگرایی را ممنوع می‌دانند و در بسیاری از این کشورها مجازات همجنسگرایی مرگ است. در جوامع اسلامی، تمهیدات قضایی و فراقضایی اتخاذ شده علیه همجنسگرایی یک پیام مشخص را به جامعه منتقل می‌کند و آن اینکه همجنسگرایی غلط و غیراخلاقی و غیرقانونی است و در نتیجه، مجازات دارد. جمهوری اسلامی ایران — که تحت حاکمیت قانون شریعت اسلام است — نگاه قانونی سختی به همجنسگرایی دارد که مجازات آن شامل شلاق و اعدام می‌شود. بر اساس قوانین مجازات اسلامی ایران، «هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت در زیر پوشش به طور برهنه قرار گیرند هردو تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند»^۱ و «هرگاه دو زن که باهم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می‌شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هریک صد تازیانه زده می‌شود»^۲ و «هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت ببوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می‌شود»^۳ همچنین حکم روابط همجنسگرایانه بدون دخول مقعدی یک‌صد ضربه شلاق است و بر همین اساس، دخول مقعدی مجازات اعدام را در پی دارد.^۴ بر اساس قانون شریعت اسلام، افراد تنها وقتی به همجنسگرایی محکوم می‌شوند که چهار بار اعتراف کنند یا چهار مرد مسلمان «باتقوا» شهادت دهند که رابطه جنسی آنها را دیده‌اند.

نمی‌توان گفت که هیچ‌یک از کشورهای اسلامی محیطی اجتماعی یا قانونی جهت حمایت از دگرباشان را فراهم می‌کند، دست کم این امر در حال حاضر جاری نیست. خلأ سازوکارهای حمایتی اجتماعی یا سازمان‌های حمایتگر اسلامی برای آسایش روانی و اجتماعی دگرباشان به شدت احساس می‌شود. در سال‌های اخیر نمایش عمومی بدرفتاری‌های داعش در سوریه‌ای که پیش از حضور داعش نیز وضعیت خطرناکی داشت، توجه جامعه بین‌الملل را به خود جلب کرده است.^۵ وضعیت برای اجتماع دگرباشان عراق بعد از سقوط صدام حسین در سال ۲۰۰۳ میلادی به شدت رو به افول گذاشته است. گروه‌های اسلامی از این آشفتگی سیاسی سر برآوردند و شروع کردند به هدف قرار دادن گی‌ها و فقط در سال ۲۰۱۲ میلادی، دویست دگرباش را به قتل رساندند. اکنون نیز همین گروه‌ها با دولت عراق در مبارزه علیه داعش همکاری می‌کنند و به آنها آزادی استمرار قتل اقلیت‌های جنسی داده شده است. به استثنای تلاش‌های محدود محلی، در آینده نزدیک نشانه‌ای از تغییر در جایگاه اجتماعی یا قانونی دگرباشان مصر دیده نمی‌شود. در لبنان، ظهور سازمان‌های حامی دگرباشان قدمی مهم در مبارزه برای حقوق اجتماعی و قانونی بوده است و به تغییری در دیدگاه‌ها منجر شده است. این تغییر محصول عوامل اجتماعی — سیاسی تعریف می‌شود که به ظهور جهت‌گیری‌های جدید در لبنان کمک کرده است.

هرچند دگرباش بودن در بیشتر کشورهای مسلمان ممنوع است، برخی استثناها نیز دیده می‌شود. فقط تعداد کمی از کشورهایی با بیشینه مسلمان (مانند اردن) همجنسگرایی را قانونی اعلام کرده‌اند، اما حتی در این جوامع نیز حمایت قانونی کمی از افراد دگرباش صورت می‌گیرد و ممکن است مجازات‌هایی برای آنها در نظر گرفته شود.

بزرگ‌ترین کشور مسلمان جهان، اندونزی، فرهنگ و سنت دوجنسگرایی پر جنب و جوشی دارد که به شکلی گسترده از طرف عموم مورد مدارا قرار می‌گیرد.^۶ همجنسگرایی و رابطه جنسی گی‌ها در اندونزی غیرقانونی نیست. تعجب‌آور است که مردان و زنان

^۱. قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده ۱۲۳.

^۲. قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده ۱۳۴.

^۳. قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده ۱۲۴.

^۴. Parnian, H. (2006). *The sexual rights of women and homosexuals in Iran* (In S. Seidman, N. Fischer & C. Meeks eds.). Handbook of the new sexuality studies, London: Routledge, pp.348-352.

^۵. Jaspal, R.; Breakwell, G.M.(Eds). (2014). *Identity Process Theory: Identity, Social Action and Social Change*. Cambridge: Cambridge University Press, pp. 211-267

^۶. The sudden intensity of Indonesia's anti-gay onslaught, from <http://www.bbc.com/news/world-asia-35657114>. [Accessed December 27th, 2017].

تراجنسیتی در بسیاری از فرهنگ‌های اسلامی در سراسر جهان پذیرفته شده‌اند. درواقع، ایدهٔ مرد یا زنی که خود را عضوی از جنس مخالف بدانند، پذیرفته‌تر است تا مرد یا زنی که میل جنسی به کسی از جنس خودش داشته باشد.

چنین نیست که بتوان به این تغییرات کاملاً امیدوار بود، اما برخی قدم‌ها در تسهیل زندگی تراجنسیتی‌ها در ایران و مصر برداشته شده است. در سال ۱۹۸۸ میلادی عمل تغییر جنس از سوی متفکران ال‌اِزهر در مصر، قدیمی‌ترین دانشگاه اسلامی جهان، بر اساس قانون شریعت اسلام قابل قبول اعلام شد. در ایران، آیت‌الله خمینی در سال ۱۹۶۴ میلادی (برابر با ۱۳۴۳ شمسی) در کتاب *تحریر/الوسیله*، به روا بودن اصل تغییر جنس فتوا داد و فقه شیعه در کنار پذیرفتن تغییر جنس، ملاک‌هایی را نیز دربارهٔ هویت تازهٔ فرد و وظایف شرعی او تعیین کرد. اساس این رویکرد پذیرنده این باور است که فرد تراجنسیتی به دنیا می‌آید، اما همجنسگرایی یک انتخاب است. بنابراین همجنسگرایی گناه دانسته می‌شود. با این حال، مسلمانان تراجنسیتی بسیاری همچنان پس از عمل تغییر جنس از خشونت فیزیکی و کلامی و طرد اجتماعی و فرهنگی در اجتماعات خود رنج می‌برند، چراکه همچنان در موقعیت پیشین خود دیده می‌شوند. بسیاری از آنها نمی‌توانند بگریزند و به کشور دیگری نقل مکان کنند تا بتوانند ناشناس بمانند. بی‌شک، خیلی محتمل است که بسیاری تحت فشار به عمل تغییر جنس تن می‌دهند (برای جزئیات بیشتر دربارهٔ خطر عمل تغییر جنس به فصل سوم رجوع کنید).

کنشگری برای دگرباشان در لبنان سبب ایجاد سازمان‌هایی مانند هلم (HELEM)، گروه دگرباشان پیش‌رو دنیای عرب، شده است که خدمات بهداشتی و حقوقی برای دگرباشان فراهم می‌کند. این عنوان مخفف عربی سازمان حمایت از ل‌زبین‌ها، گی‌ها، دوجنسگراها، و تراجنسیتی‌های لبنانی است. لبنان کشوری است که در منطقه بیشترین رواداری با سبک زندگی دگرباشان را از خود نشان داده است. هلم به اندازهٔ کافی موردپذیرش است و آنقدر در لبنان نفوذ دارد که مرتباً رویدادهایی را دربارهٔ مسائل دگرباشان میزبانی می‌کند و حتی در خیابان‌ها اعتراضاتی را علیه خشونت در مورد اجتماع دگرباشان در لبنان ترتیب می‌دهد. با وجود این، در حالی که بیروت نسبت به کشورها و شهرهای همسایهٔ خود لیبرال‌تر است، همچنان نسبت به جوامع غربی مدارای کمی از خود نشان می‌دهد. خدمات هلم تنها در حمایت از تعداد محدودی از افراد مؤثر واقع شده است که معمولاً افراد متمول‌تر جامعه هستند و کسانی را که از گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده و محروماند، نادیده گرفته و در برخی موارد، به آنها آسیب رسانده است.^۱ برای مثال، متفکرانی همچون ماصاد بر این عقیده‌اند که هلم خارجی است و سازمان‌هایی با حمایت‌های مالی خارجی همچون ال‌گا و هلم با ترویج دسته‌های هویت جنسی جامعهٔ غربی سعی در ایجاد اجتماعات گی در لبنان دارند. بنا بر نظر مؤلف، این امر رفتار دگرباشانه را یک مشکل می‌بیند و در نتیجه، سبب مداخلات بیشتری برای حمایت از این اجتماعات می‌شود.^۲ این موضوع توجه رسانه‌های عراقی و عربی را به خود جلب کرده است. برای مثال، در بغداد، روحانی شیعه، مقتدا صدر، در موضعی عمومی از رویکردی انسانی در مورد دگرباشان حمایت کرد و گفت که این افراد نباید مورد خشونت قرار گیرند.^۳ از آنجا که روحانیون دارای حقی اخلاقی برای دخالت در همهٔ امور حکومتی و در جزئیات زندگی اجتماعی مردم هستند، لازم به ذکر است که روحانیون در عراق مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نقش‌آفرینان در تعیین نظر عموم در این زمینه بوده‌اند. بیانیهٔ آیت‌الله صدر مناقشه‌برانگیز شد، چراکه با موضع دیگر روحانیون و نهادهای مذهبی، همچون دیگر متفکران شیعی در عراق و ایران، همخوانی نداشت. روحانیون در هردو کشور منع همجنسگرایی در اسلام را تبلیغ می‌کنند، اما تفاوت در نحوهٔ پرداختن به موضوع است.

بیشتر جمعیت عراق همجنسگرایی را نکوهش می‌کنند، اما طرفدار خشونت علیه این افراد هم نیستند. در عراق و لبنان، مجازات همجنسگرایی در قانون تصریح نشده است. در ایران این‌گونه نیست و وضعیت کاملاً متفاوت است. قانون اساسی مبتنی بر

¹. Leave or be killed. (6 July 2010). *The Sydney Morning Herald*.

². Massad, J. (2015). *Islam in Liberalism*. Chicago: University of Chicago Press, p. 89.95.

³. <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/09/homosexuality-lgbt-iraq-iran-muqtada-sadr.html>. Accessed: October 16, 2017.

شریعت اسلامی ایران همجنسگرایی مردان را جرمی مستوجب مجازات اعدام می‌داند و بر اساس قانون ایران، لژیون‌ها به یک‌صد ضربه شلاق محکوم می‌شوند.^۱

ایران یکی از هفت کشوری در جهان است که همچنان برای همجنسگرایی مجازات مرگ را اجرا می‌کند. همچنین ایران بیشترین تعداد اعدام‌ها را در میان کشورها در مقایسه با جمعیت خود دارد. بر اساس عدد مطلق، تنها چین تعداد بیشتری اعدام نسبت به ایران انجام داده است. در سال ۲۰۰۹ میلادی، دستگاه قضایی ایران ۳۸۸ نفر را اعدام کرد و بین سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ میلادی، تعداد اعدام‌ها به شدت افزایش یافت و در مجموع، دست‌کم به ۳۲۴۲ نفر رسیده است.

به‌رغم عضویت در معاهده‌های حقوق بشری، در سال ۲۰۰۷ میلادی، ایران هشت نوجوان را اعدام کرد و در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ میلادی، ایران تنها کشوری بود که همچنان برخلاف تعهدات مندرج پیمان‌نامه حقوق کودک به اعدام کودکان ادامه داد. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی دست‌کم یازده مورد اعدام کودکان در ایران اتفاق افتاد و این آمار تنها شامل مواردی است که علنی شده‌اند.

در سال ۲۰۱۴ میلادی، دو مرد به نام‌های عبدالله قوامی چاهزن جیری و سلمان قنبری چاهزن جیری در تاریخ ۶ اوت در جنوب ایران اعدام شدند که جرم آنها ظاهراً عمل لواط بوده است. مشخص نیست که آیا آنها به سبب گمی بودن اعدام شده‌اند یا نه، چراکه روایت‌های ضد و نقیضی درباره آنها وجود دارد؛ یک منبع اعلام کرد که آنها گمی بودند و منبع دیگری درباره آنها نوشت که «جرم» آنها روشن نبود، اما آنها را «مجرمانی غیراخلاقی» نامید. در سال ۲۰۱۱ میلادی، سه مرد پس از محکوم شدن به جرم همجنسگرایی اعدام شدند. این افراد که فقط با حروف اول اسمشان معرفی شدند، در جنوب غربی ایران در شهر اهواز، مرکز استان خوزستان، اعدام شدند. یک مقام قضایی در جمع عموم اظهار کرد که این سه محکوم به دلیل اعمال منافی شریعت اسلام و «اعمال پلید» به مرگ محکوم شدند. سازمان حقوق بشر ایران واقع در نروژ گفته است که جرم این مردان «لواط» (دخول جنسی بین دو مرد) بوده است. مشخص نیست که آیا این مردان همجنسگرا بودند یا همجنسگرا معرفی شدند. در سال ۲۰۰۷ میلادی، اعلام شد که بیست مجرم به جرم‌های مختلف از جمله تجاوز و لواط در تهران اعدام شدند. جزئیات بیشتری از این واقعه در اختیار عموم قرار نگرفت.

در سال ۲۰۰۵ میلادی، اعدام دو پسر نوجوان به نام‌های محمود عسکری و ایاز مرهونی در سطح وسیعی رسانه‌ای شد. آنها در ملا عام به جرم مشارکت در عمل لواط و تجاوز اعدام شدند و تصاویر ناراحت‌کننده اعدام آنها به طور گسترده در اینترنت پخش شد. هردوی این افراد در زمان جرم، کودک بودند و گفته می‌شود که یکی از آنها حتی در زمان اجرای حکم هم کودک بوده است. هنوز مشخص نیست که آیا این دو اعدام به طور خاص به دلیل همجنسگرا بودن آنها انجام شد یا نه. حقایقی که بر اساس آنها اعلام جرم شده است تا امروز همچنان مبهم مانده‌اند.

به همین شکل، پسر نوجوانی به نام مولودزاده به جرم لواط و تجاوز به سه پسر نوجوان در سیزده‌سالگی اعدام شد. این در حالی بود که همه شاهدان اتهامات خود را پس گرفتند و مولودزاده نیز اعتراف خود را پس گرفته بود.

قانون جزای اسلامی جدید کسانی را هدف قرار می‌دهد که تصور می‌شود تمایل جنسی آنها هنجارهای اجتماعی را به هم می‌زند و این توجیهی است برای حاکمیت تا «متخلفان» را از چهره زمین پاک کند. اگر نه در اذهان عمومی، دست‌کم در ساختار بسیاری از قوانین جزایی، قوانین لواط با جرائم پلیدی همچون تجاوز، حمله جنسی، زنا و سوءاستفاده جنسی از کودکان گره خورده است و این موجب سردرگمی و خشم عمومی مردمی می‌شود که به این ترتیب همجنسگرایی را در ردیف جرائمی مانند خشونت جنسی قرار می‌دهند. آزار جنسی کودکان و تجاوز تخلفاتی شرم‌آور و وحشتناک‌اند، اما همجنسگرایی این‌گونه نیست. با این حال

1. <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/09/homosexuality-lgbt-iraq-iran-muqtada-sadr.html>. Accessed: October 16, 2017.

— همان‌طور که در فصل‌های قبل گفته شد — همجنسگرایی همواره در کنار بچه‌بازی و انحراف جنسی قرار می‌گیرد که از طرف جامعه مستوجب طرد، مجازات، و اعدام دانسته می‌شود.

دیده‌بان حقوق بشر گزارشی را در سال ۲۰۱۰ میلادی از وضعیت همجنسگرایان و دیگر اقلیت‌های جنسی در ایران منتشر کرد. این گزارش اعلام کرد از آنجا که دادگاه‌های مربوط به «مسائل اخلاقی» عمومی نیستند، تشخیص اینکه چه تعداد افراد به دلیل رابطه با همجنس اعدام شده‌اند، دشوار است. عفو بین‌الملل تخمین زده است که از سال ۱۹۷۹ میلادی، حدود ۵ هزار نفر به دلیل رابطه با همجنس اعدام شده باشند. البته به علت نبود شواهد و آمار رسمی این ادعای است که اثباتش تقریباً غیرممکن است. کمیته حقوق فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی به همراه کمیته حقوق بشر به کرات از همه کشورهای عضو از جمله ایران خواسته‌اند تا قوانینی را که رابطه با همجنس را جرم‌انگاری می‌کنند، لغو کنند. ایران عضو ICESCR و ICCPR است. شرایط و تعهدات این اسناد بین‌المللی روشن‌اند. با این حال، پاسخ قوه قضاییه ایران استفاده از قانون جزای فعلی برای جرم‌انگاری رابطه با همجنس است. مشکلاتی که گروه‌های دگرباش در ایران با آنها روبه‌رو هستند، اساساً ماهیت حقوقی دارند و در صورت آسیب یا نقض حقوق، اگر نگوییم که اصلاً هیچ کمکی وجود ندارد، کمک‌های حقوقی محدودی در اختیار آنها است. همچنین قوانین عملاً در راستای تضییع حقوق این افراد اجرا می‌شوند. قوانین ذاتاً نسبت به بخش‌های آسیب‌پذیر اجتماع تبعیض‌آمیز و متعصب و به شدت در تناقض با تعهدات بین‌المللی ایران است.

دگرباشان خود کاملاً از برچسب و انگ همجنسگرایی و تعصب به آن و در مواردی، مجازات سختی که در صورت فاش شدن هویت جنسی آنها در انتظارشان است، آگاه‌اند و برای این دگرباشان که با تبعیض و نبود مدارای موجود زندگی می‌کنند، چنین تصویری سیاه است.

بررسی شرایط همجنسگرایان و دوجنسگرایان در کشورهای همسایه می‌تواند به طور بالقوه دیدگاه وسیع‌تری به اصلاحات قانونی ممکن و راه‌حلهایی برای مواجهه با چالش‌های اجتماعی در ایران فراهم کند. برای مثال، در ترکیه در سال ۱۸۵۸ میلادی از رابطه با همجنس جرم‌زدایی شد و تبعیض‌های قانونی محدودتر شد. یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای جامعه دگرباشان، فعالان اجتماعی، و سازمان‌های مردم‌نهاد در ترکیه رژه افتخار دگرباشان در استانبول بوده است که ترکیه را در جایگاه اولین کشور مسلمانی قرار داد که این رویداد در آن برگزار شد. دگرباشان ایرانی در برخی از این رژه‌ها در استانبول، آمستردام، و استکهلم در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ میلادی شرکت کردند.

با وجود این موضع عمومی نویدبخش و روشن، جامعه ترکیه هنوز دیدی منفی به افراد دگرباش دارد. بر اساس پژوهشی که توسط مرکز پژوهش‌های پپو در سال ۲۰۱۳ میلادی انجام شد، تنها ۹ درصد افراد در ترکیه معتقد به پذیرش همجنسگرایی در جامعه بودند و مردم ترکیه به شدت با پذیرش همجنسگرایی در سطح جامعه مخالف بودند. این مخالفت در روسیه و لبنان نیز دیده شده است. رابطه با همجنس جرم نیست، اما به ترتیب ۸۰ درصد و ۷۴ درصد از افراد این دو کشور معتقد بودند که جامعه نباید همجنسگرایی را بپذیرد. با وجود اصلاحات حقوقی — که بی‌شک قدمی بزرگ است — چالش‌های اجتماعی همچنان مانعی در مسیر غلبه بر چالش‌هایی‌اند که دگرباشان مرتب با آنها روبه‌رو می‌شوند.

نتیجه‌گیری و کارهای آینده

سرکوب اجتماعی‌ای که دگرباشان با آن روبه‌رو هستند، از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و شامل سطوح مختلفی از خشونت، تبعیض، و برچسب‌زنی می‌شود که بافتار بومی غالب را منعکس می‌کند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نیز فضایی را برای تبادل اطلاعات مثبت درباره هویت‌های دگرباش فراهم کرده‌اند. در عین حال، اینترنت محیط مساعدی برای ترویج حمایت‌های قانونی از حقوق اقلیت‌های جنسی است.

در کشورهایی که برچسب و انگ غیردگرجنسگرا بودن بالا است، افراد از طریق اینترنت دگرباشان دیگر را پیدا می‌کنند. معمولاً اینترنت ابزاری در دست افراد برخوردارتر است، با این حال، همچنان کانالی برای تبادل و همبستگی است. ماهیت تعاملی

اینترنت فضایی را ایجاد می‌کند که در آن اجتماعات شکل می‌گیرند و گفت‌وگوها شروع می‌شود. فضای مجازی فرصت‌هایی را برای معاشرت افراد، حمایت، جنبش‌ها، و تکنیک‌های تبادل اطلاعات برای بقا فراهم می‌کند. در ایران، دولت وبگاه‌هایی را که از نظر سیاسی، مذهبی، یا اخلاقی خطرناک می‌داند، مسدود می‌کند، اما افراد زیادی در ایران به نرم‌افزارهای فیلتر شکن دسترسی دارند که به آنها اجازه می‌دهد تا این سانسورها را دور بزنند.^۱

در ایران، افراد دگرباش همواره در معرض آزار هستند. قوانین علیه آنها سفت و سخت است و آنها در مقابل آزار، سوءاستفاده، و خشونت در خانواده و جامعه آسیب‌پذیرند. بارقه‌امیدی از فیلم‌ها، مستندها، موسیقی، و دیگر اشکال هنر در سال‌های اخیر برای دگرباشان ایرانی به‌وجود آمده است که دیدگاه جدیدی را مطرح می‌کند که می‌تواند سبب تغییر رویکرد شود. مثلاً در سال ۲۰۱۱ میلادی، فیلم ایرانی «آئینه‌های روبه‌رو» امکان تحول رویکرد تدریجی در میان افراد مذهبی درباره اقلیت‌های جنسی را به‌تصویر کشید. فیلم داستان ادی، مرد جوان تراجنسیتی‌ای است که سعی دارد از خانواده‌ای بگریزد که قصد دارد او را به ازدواجی مجبور کند تا آبروی خانواده حفظ شود. در این فیلم، زن مذهبی سنتی در ابتدا انزجار و نفرت زیادی نسبت به زن تراجنسیتی نشان می‌دهد. کمی بعد، با مشاهده رنج زن تراجنسیتی در اثر خشونت پدرش، زن مذهبی نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که تحمیل چنین درد و رنجی بر دیگران تجسم «شر» در معنای مذهبی است. «آئینه‌های روبه‌رو» ادعا نمی‌کند که راه‌حلی برای مشکل یافته است، اما سعی می‌کند با نگاهی انسانی به این گوشه تاریک جامعه از این ایده حمایت کند که «انکار کردن یا نادیده گرفتن این افراد راه‌حل مشکل نیست».

داعش از زمان پیدایش به تعقیب قضای اقلیت‌های مذهبی، زنان، و افرادی پرداخت که هویت یا سبک زندگی‌شان با باورهای خشک و متعصبانه این گروه همسو نبود.^۲ درجات مختلف خشونت، انزوای شدید، و برچسب‌خوردگی اجتماعی عمده‌ی همیشگی ویران‌کننده است، اما در اصطلاح دولت اسلامی، اوضاع چرخشی مخرب پیدا کرده است. در نواحی تحت کنترل دولت اسلامی، مبارزان احکامی علیه رفتار همجنس‌گرایانه و مدل موهای پرزرق‌وبرق صادر کردند و به هرکسی که در حین عمل لواط دستگیر می‌شد، وعده مرگ دادند. تنها در یک روز، در دولت اسلامی داعش، نه مرد و یک پسر پانزده‌ساله را به دلیل همجنس‌گرا بودن در شهری در سوریه کشتند. دادگاه‌های فرمایشی داعش رابطه جنسی گاهی را جرم مستوجب مجازات مرگ اعلام کرده است و مجازات‌های وحشیانه‌ای همسو با خوانشی افراطی از شریعت اسلام برای این عمل تعیین کرده‌اند. این نمونه فقط یکی از نمونه‌هایی سوءاستفاده داعش از تعصبات اجتماعی و مذهبی است که از قبل نسبت به افراد گی وجود داشته است و اکنون از آنها برای توجیه اعمال خود استفاده می‌کند. این رویه ظاهراً تا سال ۲۰۱۷ میلادی، با وجود عقب‌نشینی‌هایی، ادامه داشته است.

این مقاله پژوهشی تلاشی است برای کمک به پژوهشگران و کنشگران در جهت تأمل بیشتر درباره روش‌های بقایی که ممکن است به بهبود زندگی دگرباشان در ایران کمک کند. چالش اصلی دگرباشان در ایران از بین بردن نگاه منفی جامعه و اجتماعی است که به‌شدت در پی نارواداری، تبعیض، و تعقیب قانونی است. این نگاه منفی وقتی جدی‌تر می‌شود که قوانین و مقررات ایران انکار قطعی حقوق دگرباشان را تأیید و تقویت می‌کنند. آگاهی‌رسانی و مبارزه با نفرت هدف اصلی کنشگران اجتماعی سازمان‌های مردم‌نهاد است. اطلاع‌رسانی در خصوص دگرباشی در جامعه ایران و حضوری فعال‌تر داشتن در شبکه‌های اجتماعی درک عمومی بهتری از دگرباشان به‌دست می‌دهد و به‌شدت در حل بسیاری از مسائل آنها نقش دارد.

برای بهبود وضعیت دگرباشان، انبوهی از مسائل که پیشتر به آنها اشاره شد، باید در نظر گرفته شود. به همین ترتیب، چالش‌های همراه با زندگی، مسائل مشکل‌ساز تعریف‌ها و طبقه‌بندی‌ها، و زبان به‌کاررفته برای توصیف دگرباشان باید مورد توجه قرار گیرد،

1. LGBT Rights in Iran by Shima Houshyar, published October 21, 2015.

2. Sources: ARA News, Iraqi News, Daily Mail.

چراکه مشروعیت دادن به اقلیت‌ها و توجه به پیچیدگی‌های خاص آنان، در هر عملی، اولین گام برای بهبود وضعیت آنها است. گرچه در حال حاضر، با وجود همه مشکلات، حتی در سخت‌گیرترین کشورهای خاورمیانه، دگرباشان همچنان به شکل زیرزمینی گرد هم می‌آیند و در مقابل عقیده عمومی، هنجارهای فرهنگی، و نهادهای مذهبی — که همچنان آنها را تحقیر می‌کنند و اجازه دسترسی به حقوقشان را به آنها نمی‌دهند — به رشد و بالندگی خود ادامه می‌دهند.

بیش از ۳۱ درصد جمعیت هشتاد میلیونی ایران بین ۱۵ تا ۲۹ سال سن دارند و این نیمرخ جمعیتی بسیار جوان فرصتی برای تغییر، پویایی جدید سیاسی، و به طور بالقوه، دیدی جدید به جنسیت است. پیش بردن این نگاه نسلی نیازمند جمع‌آوری، به‌اشتراک‌گذاری، و فرمول‌بندی یک برنامه آموزشی درباره ادغام دگرباشان در همه سطوح زندگی است. هرگونه پیشرفت در پرداختن به نیازهای اساسی اجتماع دگرباشان در ایران با کمک مؤلفه‌های ذیل سرعت می‌گیرد: پر کردن خلأ اطلاعاتی، کندوکاو در داده‌های موجود و جمع‌آوری داده‌های پایه متقن، حمایت از تحقیقات، آزمودن ایده‌های جدید و مبتکرانه، و برنامه‌ریزی بر اساس ارزیابی‌های دقیق. هرگاه نتایج چنین تلاش‌هایی به شکلی واضح و شفاف به‌اشتراک گذاشته شود، اجتماع روبه‌رشدی که در این حوزه کار می‌کند، می‌تواند موارد موفق را بسط دهد و از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کند و بی‌تردید، ورود سازمان‌های مردم‌نهاد به این حوزه و حمایت‌های اجتماعی آنها از اجتماع دگرباشان می‌تواند این راه را هموارتر سازد.

با این حال، جامعه در مقابل جمعیت دگرباش ملاحظات سختی دارد و درکل، با افراد غیردگرجنسگرا در تقابل است. بنابراین این‌گونه به‌نظر می‌آید که نیازی نیست دولت، در خاورمیانه به طور عام و در ایران به طور خاص، کاری انجام دهد. فشار انکار و تقابل از سوی جامعه، سازمان‌های مدنی و نهاد خانواده اعمال می‌شود که سبب شده است تا دولت زحمتی متقبل نشود و به آن بی‌اعتنا باشد و البته مطالبه جدی‌ای نیز توسط گروه‌های دگرباشان در غیاب داشتن تشکل و گروه‌های منسجم و رسمی دگرباشی در ایران شکل نگرفته است، اگر چه تعدادی مرکز حمایت از تراجنسیتی‌ها در کلان‌شهرها وجود دارد. این امر که افراد در برابر دگرباشان مدارایی از خود نشان نمی‌دهند، کاملاً در جنبش‌های سراسر خاورمیانه مشهود است و در این سناریو، نهادهای دولتی از جایگاهی مطمئن و باثبات لذت می‌برند. در هر حال، لازم است شرایط کنونی تغییر کند و حقوق دگرباشان در همه عرصه‌های اجتماعی به همراه حقوق شهروندی آنان به رسمیت شناخته شود.^{۳۸}

منابع:

- جکل، اس؛ ونزلیبرگر، جی. (۲۰۱۵). مجله همجنسگرایی، ص. ۲۰۷-۲۴۱.
- عفو بین‌الملل. ۲۰۰۱. ص. ۴۵.
- احمدی، کامیل. (۱۳۹۷). داستان شهر ممنوعه: پژوهشی جامع در باب دگرباشان در ایران. لندن: نشر مهری؛
- الف) احمدی، کامیل. (۱۳۹۶). طنین سکوت: پژوهشی جامع در باب ازدواج زود هنگام کودکان در ایران. تهران: شیرازه؛
- ب) همان. (۱۳۹۵). سنت: پژوهشی جامع درباره ختنه زنان در ایران. تهران: شیرازه؛
- ج) همان. (۱۳۹۸). خانه ای بر روی آب: پژوهشی جامع بر باب ازدواج موقت و صیغه محرمیت در ایران. تهران: شیرازه.
- قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده ۱۲۳.
- قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده ۱۳۴.
- قانون مجازات اسلامی، باب دوم، فصل دوم، ماده ۱۲۴.
- Beemyn, Genny; Rankin, Susan. (2011). The Lives of Transgender People. New York: Columbia University Press.
- Steven Waldman. (2003). A Common Missed Conception. From http://www.slate.com/articles/life/faithbased/2003/11/a_common_missed_conception.html.
- Horrie, C.; Chippendale, P. (2007). What is Islam? A Comprehensive Introduction. Virgin Books Limited.

Maoz, Z.; Henderson, E.A. (2013). The world religion dataset, 1945–2010: Logic, estimates, and trends. *International Interactions*, 39 (3), pp.265-291.

Kessler, RC.; Mickelson, KD.; Williams, DR. (1999). The prevalence, distribution, and mental health correlates of perceived discrimination in the United States. *Journal of Health and Social Behavior*, 40 (3), pp. 208–230.

http://www.bbc.com/persian/arts/2012/05/120517_l41_mh_homophobia_day.

<http://maanaav.com/?p=379>.

Murray, S.O (1997). The will not to know: Islamic accommodations of male homosexuality. In S.O. Murray & W. Roscoe (eds.), *Islamic homosexualities: Culture, history and literature*. New York: New York University Press, pp.14-54.

Jones, Susan R, Vasti Torres, and Jan Arminio.(2013). *Negotiating the Complexities of Qualitative Research in Higher Education: Fundamental Elements and Issues*. Routledge; Whitaker, Brian. (2011). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Saqi. Strauss & Corbin (20011) *The world we see: A study on LGBTQ in Asia*, Tauris publishing, USA, LA , p. 102.

Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications , p. 116.

Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 116.

Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 143.

Corbin, J.; Strauss, A. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Thousand Oaks: Sage Publications, p. 146.

Denied Identity: Human Rights Abuses Against Iran's LGBT, from www.iranhrdc.org/english/publications/reports/1000000398.

Difference between Traditional and Modern Society, from www.yourarticlelibrary.com Society.

Between Religion and Desire: Being Muslim and Gay in Indonesia, from www.sjsu.edu/.../courses/soci172/s0/10GayMuslim.pdf.

Muslim attitudes about LGBT are complex, far from universally, from www.usatoday.com/.../muslim-lgbt-gay-views/86046404.

Islam and Homosexuality: What does the Koran say, from www.haaretz.com/middle-east-news/1.724908.

Puberty stages for boys and girls, from www.emedicine.com.

Homosexuality and Islam | Rusi Jaspal - Academia.edu, from www.academia.edu/6868516/Homosexuality_and_Islam.

Whitaker, Brian. (2006). *Unspeakable Love: Gay and Lesbian Life in the Middle East*. Berkeley: University of California, p.184

Homosexuality and Islam | Rusi Jaspal - Academia.edu, from www.academia.edu/6868516/Homosexuality_and_Islam.

Parnian, H. (2006). The sexual rights of women and homosexuals in Iran (In S. Seidman, N. Fischer & C. Meeks eds.). *Handbook of the new sexuality studies*, London: Routledge, pp.348-352.

Jaspal, R.; Breakwell, G.M.(Eds). (2014). *Identity Process Theory: Identity, Social Action and Social Change*.

Cambridge: Cambridge University Press, pp. 211-267

The sudden intensity of Indonesia's anti-gay onslaught, from <http://www.bbc.com/news/world-asia-35657114>. [Accessed December 27th, 2017].

Leave or be killed. (6 July 2010). The Sydney Morning Herald.

Massad, J. (2015). Islam in Liberalism. Chicago: University of Chicago Press, p. 89.95.

<https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/09/homosexuality-lgbt-iraq-iran-muqtada-sadr.html>.

Accessed: October 16, 2017.

<https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/09/homosexuality-lgbt-iraq-iran-muqtada-sadr.html>.

Accessed: October 16, 2017.

LGBT Rights in Iran by Shima Houshyar, published October 21, 2015.

Sources: ARA News, Iraqi News, Daily Mail.